

نبرد خلق

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



یادداشت سیاسی

چه چیز تغییر کرده؟ مماشات غرب یا سرکشی ولایت فقیه؟

مهدی سامع

پیام تبریک نوروزی باراک اوباما و پاسخ علی خامنه ای به آن هنوز مورد بحث و بررسی رسانه های جمعی است. پریزیدنت اوباما در پیام خود که متن فارسی آن در روز ۳۰ اسفند ۱۳۸۷ در آستانه تحویل سال جدید از صدای آمریکا پخش شد، مواضع و خواسته های دولت آمریکا را به شکل بسیار ملایم و با نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در ایران بیان کرد و با یک بیت از شعر سعدی به پیام خود پایان یافت.

اوباما در پیام خود با قرار دادن مردم ایران در کنار استبداد مذهبی حاکم بر ایران گفت: «من به ویژه می خواهم به طور مستقیم با مردم و رهبران جمهوری اسلامی ایران صحبت کنم.» و سپس در ادامه سران رژیم را مورد خطاب قرار داد و گفت: «پس این فصلی برای آغازی نو است. من میل دارم به روشنی با رهبران ایران سخن بگویم. ما اختلافاتی جدی داریم که با گذشت زمان بر آنها افزوده شده است. دولت من اکنون به دیپلماسی متعهد است که طیف کاملی از مسائلی را که پیش روی ماست مورد بررسی قرار می دهد و در صدد ایجاد یک پیوند سازنده میان ایالات متحده، ایران و جامعه جهانی است. این فرایند با تهدید به پیش نمی رود. به جای آن ما خواستار برقراری ارتباطی صادقانه و مبتنی بر احترام متقابل هستیم.» و بالاخره خواسته های آمریکا را به این شکل بیان کرد: «شما نیز در برابر خود انتخابی دارید. ایالات متحده مایل است که جمهوری اسلامی ایران بر جایگاه راستین خود در جامعه بین الملل قرار بگیرد. شما دارای چنین حقی هستید، اما این حق با مسئولیتهای واقعی همراه است و به این جایگاه نه از راه ترور یا به مدد جنگ افزا، بلکه از طریق اقدامات مسالمت آمیز که نشان دهنده بزرگی حقیقی ملت و تمدن ایران است می توان دست یافت و معیار سنجش این بزرگی داشتن توانایی برای ویران کردن نیست، نشان دادن توانایی شما برای ساختن و آفریدن است.»

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله

نشست لندن، گاهشمار یک مرگ اعلام شده

منصور امان

در انتهای تونل بحران جهانی سرمایه داری هیچ روشنایی پیدا نیست؛ این روشن ترین نتیجه ای است که سران کشورهای سرمایه داری متروپل، درحال گذار و نیمه توسعه یافته، پس از نشست خود در لندن ارایه دادند. از نگاه نگران میلیونها کارورزی که روز اول ماه مه در سراسر جهان به خیابانها خواهند آمد تا شرایط و چشم اندازهای دیگری را خواستار شوند، ورشکستگی اقتصادی و اخلاقی نظامی که آنها را هر روز یک گام بیشتر به سوی چاله های سیاه خود هل می دهد، پنهان نخواهد ماند. ناتوانی آشکار شده ی رهبران و اداره کنندگان جهان سرمایه داری از کنترل و یا حتی مدیریت بحران فاجعه بار کنونی، برای کارورزان جای هیچ نتیجه گیری دیگری جز عدم صلاحیت و مشروعیت سیستمی که بر کار و زیست آنها و خانواده هایشان فرمان می راند، به جا نمی گذارد. دوران جدیدی در حال شکل گرفتن است که برخلاف دلداری بی رمق سران گروه بیست پس از پایان نشست نا امید کننده ی خود، ویژگی کانونی آن را نه اجرای طرحهای درخشان اما میان تهی بلکه، ژرفش بحران اقتصادی به بحران اجتماعی تشکیل می دهد.

بقیه در صفحه ۳

رکورد واردات در تاریخ

تجارت ایران

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی
کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۸۸

زینت میرهائمی

صفحه ۴

استبداد مذهبی و

جنبشهای اجتماعی

جعفر پویه

صفحه ۷

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

صفحه ۹

گزارشی مختصر از بازتاب گسترده محاصره شهر اشرف

آناهیتا اردوان

صفحه ۱۱

یادداشت سیاسی چه چیز تغییر کرده؟ مماشات غرب یا سرکشی ولایت فقیه؟

مهدی سامع
بقیه از صفحه ۱

سخنان رئیس جمهور آمریکا و به ویژه لحن آن که به گمان من مهمترین تمایز آن با سخنان رئیس جمهور سابق آمریکا بود، با استقبال جبهه مماشات و جریان دلالان رژیم ایران قرار گرفت. اینان به خاطر انجام وظیفه با مشاهده درختان، جنگل را نادیده گرفتند و بدون توجه به وجود کلماتی چون «راه ترور یا به مدد جنگ افزار» و «توانایی برای ویران کردن»، حکام تهران را نصیحت کردند که هرچه زودتر راه سازش بزرگ را بگشایند.

در سخنان رئیس جمهور آمریکا خواسته های دولت آمریکا مطرح شده است. این خواسته ها، دست برداشتن جمهوری اسلامی از سلاح اتمی و تروریسم و ویرانگری است. در این خواسته ها رعایت حقوق بشر نادیده انگاشته شده و موضوع اخلال در روند صلح بین فلسطین و اسرائیل با اسم مستعار «تروریسم» یا «ویرانگری» مطرح شده است. این خواسته دقیقاً همانی است که طی ۸ سال گذشته از جانب دولت بوش و کشورهای ۱+۵ در بسته های تشویقی که هر بار پرورتر از پیش به رژیم ایران ارایه شده است. اما آیت الله خامنه ای با هشجاری به جای آن که شیفته شکل و لحن بیان شود و یا به عشو گریهای مماشاپ طلبان توجه کند، به سرعت به میدان آمد و کمتر از ۲۴ ساعت در روز اول فروردین در مشهد به سخنان پرزیدنت اوپاما پاسخ داد.

ولی فقیه نظام در سخنان خود که همراه با گرافه گوئیهای فراوان، برای مثال این که «تحریم به سود ما تمام شد» و نصیحتهای بلاهت بار بود، این سوال منطقی را مطرح کرد که «برای ما چی تغییر کرده» است؟ خامنه ای که شیفته و مدافع سرسخت ولایت ارتجاعیش است، در سخنان خود به ناحق کلمات «ملت» و «ایران» را برای نامیدن ولایت خود به کار برد و با تاکید بر این که نمی شود او را «فریب داد» و نمی توان او را «ترساند»، گفت: «حال دولت جدید آمریکا می گوید ما مایلیم با ایران مذاکره کنیم، بیاید گذشته را فراموش کنید. می گویند ما دست دراز کردیم به سمت ایران. خب این چه جور دستی ست. اگر دستی دراز شده باشد که یک دستکش مخمل رویش باشد اما زیرش یک دست چدنی باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد. عید را به ملت ایران تبریک می گویند اما در همان تبریک ملت ایران را طرفدار تروریسم، دنبال سلاح هسته ای و از این قبیل چیزها متهم می

کنند..... می گویند بیاید مذاکره کنیم، بیاید روابط ایجاد کنیم، شعار تغییر می دهند، خب این تغییر کجاست چی تغییر کرده. این را روشن کنید برای ما چی تغییر کرده؟ دشمنی شما با ملت ایران تغییر کرده کو علامتش؟ داراییهای ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریمهای ظالمانه را برداشتید؟ از لجن پراکنی و اتهام زنی و تبلیغات سوء علیه این ملت بزرگ و مسئولین مردمی آن دست برداشتید؟..... شعار تغییر می دهند اما در عمل تغییری مشاهده نمی شود، ما هیچ تغییری ندیدیم. حتی ادبیات هم عوض نشده است..... رئیس جمهور جدید آمریکا از اولین لحظه که به ریاست جمهوری رسماً رسید و نطق کرد به ایران و دولت جمهوری اسلامی اهانت کرد چرا؟ اگر راست می گویند تغییری انجام گرفته است کو این تغییر؟ چرا چیزی دیده نمی شود؟»

خامنه ای بر اساس فایده تکرار و برای آن که مبادا گماشتگانش فریب لحن اوپاما را بخورند و یا دچار لغزش و لرزش شوند، بارها و به شیوه های مختلف پیرامون تغییر صحبت کرد و بالاخره با استناد به سنتهای الهی و به وکالت از جانب مردم جهان گفت: «این تغییری که شما اسمش را می آورید، این یک ضرورت است برای شما، چاره ای ندارید باید تغییر کنید، باید تغییر کنید. اگر تغییر نکنید سنتهای الهی شما را تغییر خواهد داد. دنیا شما را تغییر خواهد داد. باید تغییر کنید اما این تغییر نباید فقط لفاظی باشد، نباید به نیتهای ناسالم باشد. یک وقت بگویند ما می خواهیم تغییر بدهیم سیاست خودمان را اما هدفها را عوض نمی کنیم، تاکتیکها را عوض می کنیم این تغییر، تغییر نیست، این خدعه است.»

و در پایان ولی فقیه رژیم خطاب به اوپاما گفت: «شما تغییر کنید، ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد.»

پاسخ سید علی خامنه ای به اندازه کافی صریح و شفاف است. او از آمریکا می خواهد که در مورد حمایت رژیم ایران از تروریسم حرفی به میان نیابد و بپذیرد که جمهوری اسلامی یک قدرت اتمی است و بنابراین همه تحریمها را لغو کند تا آقای خامنه ای هم رفتارش تغییر کند. در حقیقت در شرایطی که دولت آمریکا بر پیش شرطهای مذاکره پافشاری نمی کند، این ولی فقیه رژیم ایران است که پیش شرطهای بزرگی را در مقابل دولت آمریکا قرار می دهد. اما این پیش شرطهای برای مذاکره نیست، چرا که خامنه ای و عمله و اکره اش هیچگاه با مذاکره مخالف نبوده و همواره با آمریکا مذاکره مخفی داشته اند و از این مذاکره ها در دوران جرج بوش به اندازه کافی سود برده و اتفاقاً دولت بوش بیش از هر دولتی در ۳۰ ساله اخیر به رژیم ایران باری داده است. چه کسی می تواند منکر این واقعیت شود که حمله به عراق و اشغال این کشور تا کنون بیش از همه به سود ولایت خامنه ای بوده است.

بنابراین تا آن جا که به مساله مذاکره مربوط است رژیم ایران همواره از آن

استقبال کرده و در شکل مخفی همواره در مذاکره بوده است. در ماه گذشته روزنامه سوئیسی Le Temps، در شماره روز سه شنبه ۱۸ فروردین فاش ساخت که کارشناسانی از ایران، آمریکا و اروپا در ژنو به طور منظم با یکدیگر دیدارهایی غیررسمی در سطوح بالا داشته اند. رادیو المان طی گزارشی به نقل از همین روزنامه نوشت که: «وزیر خارجه ی سوئیس این خبر را تایید کرده است. یکی از نزدیکان به دولت ایران هم در این دیدارها شرکت داشته است.»

وزیر امور خارجه ی سوئیس، روز سه شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۸ گفت: «گفت وگوها در سطحی کاملاً غیررسمی جریان دارند و وزارت امور خارجه در آن شرکتی ندارد.» بنا به نوشته این روزنامه «در میان شرکت کنندگان همچنین کارشناسان سلاحهای استراتژیک و اتمی، و نیز کارشناسان حوزه ی مناسبات بین الملل حضور داشته اند که در مورد تجهیزات هسته ای ایران سخن گفته اند.»

بنابراین رژیم ایران برای آن که به اهداف خود دست یابد و برای وقت گذرانی و در ضمن برای وجهت دادن به پروژه مماشات همواره و به اشکال مختلف و با واسطه های گوناگون در مذاکره بوده و از این به بعد نیز از این شیوه گریزی ندارد. مهم این است که استبداد مذهبی حاکم بر ایران با اتکا به نیروی ویرانگر بنیادگرایی اسلامی و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی که هر دوی آن در خدمت کسب هژمونی در خاورمیانه است از مذاکره و به ویژه از مذاکره مخفی بدون آن که بر سر اختلافهای اساسی وارد تعامل شود، بیشترین بهره برداری برای سرکوب مردم ایران و مهار جنبشهای اجتماعی مردم ایران را می کند.

واقعیت این است که سیاست کشورهای بزرگ غربی به طور عام و سیاست ایالات متحده آمریکا به طور خاص طی ۳۰ سال گذشته و به ویژه در ۸ سال دولت جرج بوش علیرغم همه هیاهوها و جناحهای تبلیغاتی، مماشات با جمهوری اسلامی بوده است. این سیاست نه تغییر رژیم ایران بوده و نه جنگ با آن، بلکه تغییر رفتار رژیم ولایت فقیه بوده است. این را خامنه ای بهتر از هر کس می داند و به درستی تاکید می کند که هیچ چیز تغییر نکرده است. ولی فقیه رژیم به یک واقعیت دیگری نیز اشراف دارد که معمولاً سیاستمداران غربی از آن اطلاع ندارند. اگر تغییر رفتار رژیم ولایت فقیه شامل دست برداشتن این رژیم از صدور بنیادگرایی اسلامی و توسعه تروریسم باشد، اگر تغییر رفتار رژیم ایران منوط به تغییر عمق استراتژیک امنیت رژیم از

کل خاورمیانه به مرزهای ایران شود در این صورت فلسفه وجودی ولایت فقیه و ابزارهای اصلی آن مثل سپاه پاسداران و سلاح اتمی هم از بین رفته و در نتیجه ولایت فقیه از درون پاشیده خواهد شد. از آن جا که ولی فقیه نظام به این امر آگاهی کامل دارد از رئیس جمهور جدید آمریکا می خواهد که محتوای سیاست آمریکا که همان «تغییر رفتار» است را تغییر دهد. به نظر می رسد که قبول این خواست در ظرفیت دولت آمریکا نیست.

استبداد دینی در ایران دومین رتبه در اعدام را به خود اختصاص داد

زینت میرهاشمی

در حالی که حکم اعدام در بسیاری از کشورها ممنوع شده است، اجرای این حکم در جمهوری اسلامی طی سال گذشته افزایش پیدا کرده است. بنا به تازه ترین گزارش سازمان عفو بین الملل که در روز دوشنبه ۳ فروردین در رسانه ها منتشر شده، در سال ۲۰۰۸، حداقل ۳۴۶ نفر در ایران اعدام شده اند. این نهاد بین المللی همچنین اعلام کرد که از نظر تعداد اعدام، جمهوری اسلامی رتبه دوم را در جهان دارد.

رژیم ولایت فقیه تنها کشوری است که برای جوانان زیر ۱۸ سال حکم اعدام اجرا می کند. در میان آمارهای اعلام شده که البته اعدامهایی است که احکام آنها از طرف حکومت اعلام شده و آشکار است، بسیاری از جوانان زیر ۱۸ سال وجود دارد. به این آمارها باید قتلهایی که در زندان به مورد زندانیانی که به حبس محکوم شده اند را اضافه کرد. همان طور که آمارها نشان می دهد، در دولت پاسدارها احکام اعدام و سنگسار افزایش پیدا کرده است. اعدام عملی ضد بشری و جنایت محسوب می شود. در تلاش همگانی برای لغو این حکم شنیع غیر انسانی و جلوگیری از بازتولید خشونت، امران و عوامل این اعدامها در جمهوری اسلامی باید در دادگاههای ذیصلاح محاکمه شوند.

فراسوی خبر ۵ فروردین

سرمقاله

نشست لندن، گاهشماری یک مرگ اعلام شده

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

کدام همرو تاریخی؟

پیش از برگزاری نشست لندن، رسانه های بورژوازی و پاپوران رسمی اروپا و آمریکا، یک "برتون وود" جدید را بشارت می دادند؛ کنفرانسی که اندک زمانی پیش از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۴) دست کم برای سه دهه مناسبات اقتصادی بین کشورهای سرمایه داری را بر اساس تعادل قوای جدید بین المللی تنظیم کرد.

برای نشست گروه ۲۰ در لندن اما اگر یک نمونه تاریخی یافت شود، بی گمان کنفرانس شکست خورده دول سرمایه داری در همین شهر در سال ۱۹۳۳ است. در آن هنگام نیز نظام سرمایه داری تا گلو در بحران اقتصادی و رکورد ناشی از آن فرو رفته بود و همچون امروز، رهبران دولتی آن به منظور چاره جویی برای پُر کردن شکاف بین این شرایط و پیچیدن نسخه شفابخشی برای اقتصادهای درهم شکسته و شرایط انفجاری کشورهایشان به گونه دسته جمعی به لندن شتافته بودند.

آنها ۶ هفته فرصت یافتند تا دریابند که در شرایط بحرانی، پیدا کردن انگاشتها و منافع مشترک به همان دشواری به دست گرفتن بحران است. آنگاه که سقوط آزاد سیستم اقتصادی و نهادهای آن به امری خودپوی و به هم پیوسته تبدیل می شود، پُرسش اصلی نیز فقط می تواند کاهش دامنه خسارات در چارچوبهای ملی یا منطقه ای سرمایه و بیان روشن تر، نجات خود از کشته در حال غرق باشد. از این رو، مُتحدان پیروز جنگ جهانی اول و رقیب شکست خورده آنان، آلمان که به مکان خویش در ردیف اول باز گشته بود، نه تنها نتوانستند به هیچیک از اهداف فوری و حیاتی خود در ثبات بخشی به ارز، سازمان دادن تولید و بازرگانی و برچیدن موانع گمرکی دست یابند بلکه، با به ثبت رساندن فروپاشی سیستم جهانی سرمایه داری، به طور رسمی به دوران صلح اقتصادی بین خود نیز پایان دادند. ۶ سال بعد جنگ جهانی دوم آغاز شد.

اجلاس لندن

اجلاس لندن از حیث آشکار کردن اختلاف و رقابت بین دولتهای بورژوازی، یک گام از همتای تاریخی خود نیز شفاف تر عمل کرده است.

اتحادیه اروپایی با سوخت تولید صنعتی و صادرات و بازرگانی ناشی بر آن به گردش می آید و بدین جهت بیش از وال استریت و لندن سیتی به ثبات تقاضای کالا چه از نظر داخلی و چه از حیث بین المللی و نیز قواعدی که در خدمت سرمایه گذاری صنعتی و تسهیل آن قرار بگیرد، علاقمند است. این امر با توجه به پا گذاشتن قُطبهای اقتصادی اروپا (آلمان، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا) بر پله ی بعدی بحران مالی کنونی یعنی، رکورد اقتصادی که محدودیتهای شدید مالی و کسری بودجه هنگامت را در چشم انداز دارد، اهمیتی دو چندان یافته است. نشست اروپا بین دو صدلی بازار مالی و تولید کالایی که به دلیل مناسبات سنتی تنگتنگ بین بخشهای مالی و صنعتی آن دست کم تا پیش از بحران اخیر امکان پذیر بود، اینک و تحت شرایط بحرانی به یک آکروبات بازی خطرناک با تهدید سقوط ساختاری تغییر ماهیت داده است.

اختلاف آمریکا و اروپا، شکاف منافع دو مدل اقتصادی

درحالی که ایالات متحده اختصاص مبالغ بیشتری برای ایجاد محرکهای اقتصادی از سوی دولتها را راه حل معرفی می کند و از متحدان خود خواهان شل کردن سرکیسه است، اتحادیه اروپایی به رهبری آلمان و فرانسه، مخالف افزایش بدهی دولتها به بانکهای دولتی و خصوصی است و در عوض، قاعده مندسازی بین المللی بانکها و موسسه های بزرگ مالی را پیشنهاد می کند.

این جدال به خوبی مشخص می کند که موضوع مورد بحث ارایه راه حل نیست، بحث بر سر منافع است. ایالات متحده با تمام توان خود در پی تجدید حیات مکانیزمهای بهره و تولید پول از پول است و رشد اقتصادی خود را وابسته به حفظ نقش برتر و جایگاه مُهمتر بازارهای مالی مدل انگلوساکسونی می داند. این ارزیابی چندان نیز غیر واقعی نیست. در دهه های اخیر رشد اقتصادی آمریکا نه بر پایه تولید صنعتی و سرمایه گذاری صنعتی بلکه، بر بخش مالی و ارزشهای تولید شده آن از طریق معاملات و فعالیتهای مالی گوناگون قرار داشته است. بنابراین، طبقه ممتاز سیاسی و اقتصادی این کشور هیچ منافعی در محدود کردن ستونهای قدرت خود تویبُط قرار دادن آنها تحت نظارت و کنترل بین المللی و به بیان دقیق تر، مُدلهای رقیب ندارد. برعکس، آن چه که می تواند به ترمیم موسسات درهم شکسته ی مالی این کشور کمک کند، در گام نخست حفظ بستر و ساختارهای ملی و بین المللی فعالیت آنها و در گام بعدی، تجدید گردش پول، اعتبارات، سهام و جُز آن است. یک اقدام موثر در این زمینه، تزریق خون به پیکر بی رمق اقتصاد مالی از سوی دولتها و بانکهای مرکزی و خزانه داری آنها از طریق پرداختهای مُستقیم، ارایه ضمانت یا گرفتن وام است.

جاذبه این پیشنهادها برای اروپا چندان زیاد نیست. موتور اقتصاد

تابلوی فوروم مزبور با ضرورت ایجاد یک سیستم هشدار دهنده رنگ آمیزی شده است و این گونه وانمود می شود که بخشی از علت شکل گیری بحران کنونی، نبود هشدارهای لازم بوده است. این در حالی است که پیش از ترکیدن حباب بازارهای مالی، علائم خطر بدان گونه پیدا بود که حتی مدافعان واقع بین تر این رونق مجازی و کاغذی را نیز ناچار به فشار دکمه اُزیر قرمز ساخته بود. مشکل واقعی، خود نهادهای نظارت کننده از قبیل "فوروم" کُذایی، موسسات ارزش گذاری و دستگاههای دولتی بودند که با دستشان در کاسه بخش مالی بود و از آن دستور می گرفتند یا به طور مُشخص از نمایندگان این بخش ترکیب شده بودند. تا هنگامی که این رابطه زیر هر نامی تیمار می شود، سختگیر ترین ناظران بخش مالی، همچنان خود آنها خواهند بود.

همین اقدامات نمایشی در "طرح رُفرم سیستم مالی" نیز تکرار شده است. بیانیه پایانی نشست بر طبل شادی می کوبد که قواعدی را برای قاعده مند سازی بیشتر بانکها، صندوقهای سرمایه گذاری و حقوق و پاداش مُدیران وضع کرده است. اما

همزمان با خطوط ریز اضافه می کند که تدوین قوانین لازم الاجرا به دولتهای ملی واگذار شده است. در یک بخش دیگر، از قاعده مند سازی و نظارت بر نهادهای مالی، ابزارها و بازارهای "همپیوند با سیستم" داد سخن رفته شده است اما با زیرکی یک جاعل اسناد، جای این که چه چیزی



"همپیوند با سیستم" است خالی گذاشته شده تا اصل موضوع را به مطلبی قابل تفسیر و کنترل و نظارت ادعایی را به مترسک تبدیل کند.

ترجمه این نهاد و گزاره ها، باقی ماندن وضع به صورت قبلی و چرخیدن رولت کازینو کاپیتالیسم روی محور همیشگی است.

تفاهم طرف مقابل نیز از ویژگیهای مشابه سرشار است: ژستی تاریخ مصرف دار برای عکس یادگاری! تقویت نقش صندوق جهانی پول با وظیفه ایجاد محرکهای اقتصادی و نجات بازارهای در حال مرگ

به خوبی در چنین قالبی می گنجد. اختصاص (در مجموع) ۱۱۰۰ میلیارد دلار برای پُر رنگ کردن ژست مزبور به نهادی که ابزار سیاست اقتصادی شناخته می شود که به شرایط کنونی انجامید و آن را به گونه سیستماتیک تقویت می کرد، بی گمان بهترین پلانقرم برای نمایش اقدام مشترک بین المللی نیست. اما هر گاه نزدیک تر به درون شکاف بین بحران جهانی شده و سیاستهای حمایتگرانه ملی نگریسته شود، ناگزیری روی آوردن به تنها گزینه بین کشوری نو - لیبرال و یکی از بازماندگان دوران سپری شده آشکارتر می شود.

بقیه در صفحه ۴

در همین حال نمی توان از نظر دور داشت که خودداری کشورهای مُتکی به صادرات اروپایی از پرداخت بیشتر محرکهای اقتصادی، در برگیرنده یک سود مُشخص و روز نیز برای آنها هست، بدین گونه که آنها منابع مالی ای که کشورهای دیگر همچون چین، ژاپن، هند، برزیل و آمریکا برای تحریک تقاضا هزینه می کنند را به جیب می زند بدون آنکه خود در این پروسه ی هزینه بر شرکت داشته باشند.

بازتاب اختلاف

یک توافق در میانه، کوشش دارد اختلاف منافع دو بلوک را از چشمهای مُراقب و به شدت نگرانی که به نشست لندن و نتایج آن دوخته شده بودند، پنهان سازد. در پاسخ به درخواست فرانسه و آلمان برای کنترل و نظارت بیشتر بر بانکها و موسسات مالی، نام "فوروم امنیت مالی"، یک نهاد نظارتی گروه ۸، به "فوروم ثبات مالی" تغییر یافت بدون آن که در اختیارات آن تغییری داده شود و قادر به وضع قوانین یا اعمال مجازاتهایی علیه بانکهای خصوصی و موسسات مالی باشد. جالب توجه آن که، تغییر

رکورد واردات در تاریخ تجارت ایران

زینت میرهاشمی

تولید داخلی شکر از یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن در سال گذشته، پیش بینی می شود که در سال جاری به ۵۰۰ هزار تن برسد. دبیر انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر ایران در رابطه با کاهش تولید داخلی چغندر می گوید: «امسال طبق برنامه پیش بینی شده باید تولید قند و شکر داخلی به حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن رسیده و در تولید این محصول خودکفا می شدیم. اما با وضعیت فعلی در سال جاری بیش از ۵۰۰ هزار تن شکر تولید نخواهد شد» (ایسنا ۲۹ فروردین ۸۸)

همچنین بر اساس داده های آماری «تولید شکر در کشور بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۳۸۶ کاهش پیدا کرده است.» (ایسنا ۲۸ فروردین ۱۳۸۸)

علیرضا اشرف رئیس سندیکای کارخانجات قند و شکر گفت: «امسال کارخانجات برای استحصال یک میلیون تن چغندر با کشاورزان قرارداد بسته اند در حالی که ظرفیت استحصال ۷ میلیون تن محصول را دارند.»

بر اساس گزارش گمرک ایران که روز یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۸ در رسانه های دولتی منتشر شد، «میزان واردات در سال ۸۷ حدود ۲/۵ برابر صادرات بوده است.» بر اساس همین گزارش «در سال ۱۳۸۷ مجموعاً ۴۴ میلیون تن کالا به ارزش نزدیک به ۵۶ میلیارد دلار وارد ایران شده است. این میزان به لحاظ وزن ۵۰ درصد و از نظر ارزش ۳۰ درصد بیشتر از سال قبل از آن بوده و رکودی در تاریخ تجارت کشور بوده است.»

در ماه گذشته مساله واردات گندم توسط دولت در رسانه های حکومتی منتشر شد. حجم بالای واردات گندم تعجب خیلیها را برانگیخت. به ویژه این که کارگزاران رژیم در سالهای قبل از خودکفایی این محصول دم زده بودند.

در رسانه های حکومتی نوشته شده بود که: «ایران تبدیل به بزرگترین وارد کننده گندم در جهان شده است.» بر اساس گزارش منتشر شده در این مورد واردات گندم ایران ۶/۵ درصد کل تجارت گندم جهان است.

در ماه گذشته، اعضای سندیکای کارخانه های چای شمال ایران به طور دستجمعی استعفا داده اند. سمیعی رئیس هیات مدیره این سندیکا اعلام کرد که: «ادامه فعالیت اعضای سندیکای کارخانه های چای شمال با این روند غیر ممکن است.»

جمهوری اسلامی در سال اخیر بیشترین واردات کالا به ایران طی سالهای گذشته را به خود اختصاص داد است. خدمتگزاران سینه چاک نئولیبرالیسم، قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی، خوش خدمتی خود را به نمایش گذاشته اند. بسیاری از واحدهای تولیدی در اثر تفاوت هزینه تولید در داخل و قیمت کالای وارداتی، از گردونه تولید خارج شده اند. دستاورد این سیاستها، گسترش بیکاری، رانده شدن تعداد بیشتری از مزدبگیران به زیر خط فقر و پیامدهای ناهنجار آن بر وضعیت معاشی و اجتماعی است.

واردات شکر که در دست مافیای وابسته به حکومتی است، در سالهای اخیر ضربه فراوانی به محصولات داخلی چغندر در ایران زده است. علیرضا اشرف رئیس سندیکای کارخانه های قند و شکر در گفتگویی با روزنامه سرمایه ۲۵ فروردین، گفت: «سال گذشته ۷ کارخانه از ۳۲ کارخانه چغندر قند کشور از مدار خارج شده و به نظر می رسد امسال بر تعداد کارخانه های تعطیل شده افزوده شود.»

دولت در برابر اعتراضهای کارگران کارخانه های تولیدی شکر و قند، بر روی واردات شکر، تعرفه گذاشت. اما این تعرفه در مقابل سودهای کلانی که مافیای واردات شکر به جیب می زند ناچیز است و لذا باز هم بهای شکرهای وارداتی در بازار کمتر از بهای قند و شکر تولید شده در داخل است.

بهای شکر داخلی در سال ۸۷، ۷۸۳ دلار برای یک تن بوده است در حالی که شکر وارداتی در بازار در همین سال به قیمت ۴۰۳ دلار رسیده است.

پهمن دانایی در این رابطه می گوید: «این مقدار افزایش تعرفه درد این صنعت را دوا نکرده و تنها حدود ۴۰ تا ۵۰ تومان در قیمت شکر وارداتی اثر می گذارد که بسیار ناچیز و غیر موثر است.» (ایسنا ۲۹ فروردین ۸۸)

بر اساس آمارهای منتشر شده در روزنامه سرمایه ۲۵ فروردین، «واردات شکر در سال ۱۳۸۶، به رقم یک میلیون و ۱۷۰ هزار تن رسیده بود. این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۲ میلیون و ۴۸۱ هزار تن بود.»

با مقایسه آماری واردات و تولیدات داخلی شکر در سالهای متفاوت،

تولید چای هم در ردیف تولیداتی است که در اثر واردات بی رویه ضربه زیادی خورده طوری که فقط ۲۰ درصد چای تولید شده در داخل به فروش رفته است.

یکی از اثرات مخرب این افزایش واردات، گسترش بیکاری کارگران و مزدبگیران است. آمار واقعی بیکاری از جمله پدیده ای است که ارائه آن بین پایوران رژیم اختلاف انداخته است. بنا به همین دلیل آمار واقعی بیش از آمارهایی هست که از طرف نهادهای رژیم ارائه می شود.

یکی از مجلس نشینان از اردبیل، میزان بیکاری در اردبیل را بیش از ۵۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت اگر بیکاران فصلی را نیز به این تعداد بیافزاییم به «عدد ناامید کننده ای می رسیم که بهتر است اعلام نشود.»

یک پزشک متخصص اعلام کرد که در ده سال اخیر رشد قد در ایران متوقف شده است. این پزشک متخصص یکی از علتهای اصلی متوقف شدن قد در ایران را بدی تغذیه نام برد. (خبرگزاری دولتی مهر ۱۸ فروردین ۱۳۸۸)

دکتر ایرج حیدری این موضوع را یک «بحران جدید و پنهان» در کشور دانست. وی در مورد میزان پایین مصرف پروتئین حیوانی گفت: «کشورهای در حال توسعه با متوسط مصرف ۲۱ گرم در روز نسبت به متوسط مصرف جهانی با ۲۹ گرم در روز و کشورهای توسعه یافته با ۵۷ گرم در روز از مصرف پایین تری برخوردار هستند. در کشورهای منطقه نیز قزاقستان با مصرف روزانه ۴۳ گرم در روز در صدر جدول و پاکستان و ایران با ۲۲ گرم در روز در قعر جدول قرار دارند.»

در ماه گذشته فشار و سرکوب بر روی فعالان کارگری و اعضای سندیکاهای کارگری افزایش پیدا کرده است. تعددی از کارگران در بیدادگاههای رژیم به حبس محکوم شده اند.

روز سه شنبه ۲۵ فروردین، بیدادگاه دزفول برای ۵ تن از فعالان اعتصابهای کارگری شرکت نیشکر هفت تپه حکم حبس صادر کرد. طی این حکم، جلیل احمدی، فریدون نیکوفر، علی نجاتی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر به یک سال حبس محکوم شدند. علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه پس از ۴۰ روز حبس، با تعلیق شدن مدت محکومیتش از زندان آزاد شد.

دستگیری و زندانی کردن فعالان کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه، محکومیت نهادهای مدافع حقوق بشر و نیز نهادهای کارگری در سطح جهان را در پی داشت. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، فدراسیون بین المللی کارگران صنایع غذایی و خدمات، سازمان عفو بین

بقیه در صفحه ۳

سرمقاله

نشست لندن، گاهشماری یک

مرگ اعلام شد

بقیه از صفحه ۳

همانگونه که در لندن ۱۹۳۳ وجود نداشت. آمریکا و اروپا کاستیهایی که در فرم توافق نمادین خود بدان تن داده اند را در درونمایه و آنچه که به پُر کردن نقد آن بر می گردد، یکسره جبران کرده اند. بخش مهمی از مبلغ اختصاص داده شده به صندوق جهانی پول، تعهدات و مْصوبه های گذشته است که به دلایل روشن امکان عملی شدن پیدا نکرده اند. بخش دیگر، وعده های جدیدی است که به طور مْشخص ۱۰۰ میلیارد دلار از سوی اتحادیه اروپایی و همین رقم از سوی ژاپن را در بر می گیرد. فاصله تعهد مالی آمریکا از رقم فائزنی ۱۱۰۰ میلیارد دلار از این نیز بیش تر است. آقای اوباما قول داده است که ۴۴۸ میلیون دلار از کنگره بدین منظور درخواست خواهد کرد.

مُرده به دنیا آمدن طرح مْحرکهای اقتصادی گروه ۲۰ را یک حیات سنج دیگر به مراتب گویا و تلخ تر می تواند بیان کند: تنها خسارات ناشی از سقوط بازار سهام، کاهش قیمتها و فروپاشی بازار مْعاملات مسکن، بیش از ۵۰ هزار میلیارد دلار تخمین زده می شود.

برآمد

آقای گوردن براون، نخست وزیر انگلیس در پایان نشست گروه ۲۰ اعلام کرد: "یک نظم جدید جهانی در حال شکل گرفتن است." نتایج اجلاس لندن نشان می دهد که مْقدمه لازم اما نگفته ی تعریف وی یعنی، فروپاشی نظم گذشته توضیح دقیق تری از وضعیت موجود باشد. نشست لندن آثار بحران اقتصادی نظام سرمایه داری جهانی را به زبان سیاست ترجمه کرد. آمریکا، لکوموتیو پیشین رُشد جهانی سرمایه داری و طلایه دار کنونی رُگود جهانی و بدهی دولتی، به سُرعت و به گونه مْنظم در حال از دست دادن نقش هژمونیک خود است. از اروپا تا چین، مْدعیان این جایگاه را به سود ساختار جدید نظم بین المللی که در آن نقش و منافع آنها به طور مْساوی تامین و تضمین شود، به چالش گرفته اند.

"برتن وود" در سایه موقعیت انحصاری و برتر ایالات مْتحد به عُنوان پیروز اصلی جنگ جهانی دُوم توانست نظم جدید اقتصادی و سیاسی را پی بریزد. این پیش شرط هژمونیک در لندن ۲۰۰۹ وجود نداشت.

رکورد واردات در تاریخ تجارت ایران

بقیه از صفحه ۴ الملل، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و کانون مدافعان حقوق کارگر و طیف گسترده ای از فعالان کارگری خواستار آزادی فوری کارگران زندانی به شمول رئیس هیات مدیره این سندیکا شده بودند.

بر طبق حکم این بیدادگاه این فعالان کارگری به مدت ۳ سال از فعالیتهای صنفی کارگری محروم شده اند.

با تبریک به فعالان جنبش کارگری برای آزادی آقای علی نجاتی، برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تلاش می کنیم. حکم بیدادگاههای جمهوری اسلامی در مورد محکومیت به حبس فعالان کارگری نیشکر هفت تپه محکوم است.

در رویدادی دیگر روز یکشنبه ۲۳ فروردین کارگران نساجی پردیس سنندج هنگامی که قصد ورود به جایگاه تولید این کارخانه داشتند با ماموران نیروی سرکوبی و کارفرمای کارخانه مواجه شدند. بر اساس خبرهای منتشر شده در این مورد، در این درگیری ۴ تن از کارگران توسط نیروهای انتظامی دستگیر می شوند. کارگران کارخانه پردیس سنندج در سال گذشته برای دریافت حقوقهای عقب افتاده شان چندین بار دست به حرکتی اعتراضی زده اند. این کارخانه مانند بسیاری از واحدهای تولیدی نساجی به دلیل بحران و رکود در خطر تعطیلی است. تعطیلی این کارخانه سبب اخراج کارگران با سابقه این واحد تولیدی می شود.

در روز ۲۵ فروردین هنگام سخنرانی میرحسین موسوی در اهواز، کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به وضعیت خود شعار می دادند: «منادی عدالت خجالت خجالت، کارگر بیدار است از استثمار بیزار است». همچنین کارگران زیر حضور گسترده نیروهای امنیتی شعار می دادند: «عدالت کارگری حق مسلم ماست و ما عدالت می خواهیم. آن دست که نان می دزد، نمی تواند آزادی ببخشد.»

در ماه گذشته متأسفانه یکی از رانندگان شرکت واحد در وسط اتوبوس دست به خودکشی زد. بر اساس خبرهای منتشر شده و نوع خودکشی این راننده، فقر و مشکلات ناشی از آن علت اصلی این خودکشی بوده است. عامل اصلی این خودکشیها سیاستهای غیر عادلانه و ظالمانه حکومت به عنوان کارفرمای بزرگ است. فقدان این راننده را خانواده وی

و نیز رانندگان شرکت واحد و فعالان کارگری تسلیت می گویم.

با تأسف بسیار روز یکشنبه ۳۰ فروردین در اثر انفجار گاز متان در معدن «باب نیزو» در شمال استان کرمان، ۱۲ تن از کارگران سرگرم کار در این معدن و یکی از مهندسان آن کشته شدند. به گزارش رادیو فرانسه به نقل از ایلنا این معدن از سالها قبل به علت داشتن بیش از حد گاز متان تعطیل بوده است ولی یک شرکت خصوصی به نام «دلنا» به کارفرمایی شخصی بنام مهندس زینعلی، قراردادی منعقد کرده و شروع به کار کرده است. در سال ۱۳۸۲ نیز تعداد ۹ تن از کارگران این معدن که برای شرکت دلنا کار می کردند، در اثر انفجار گاز متان کشته شدند و در جریان رسیدگی به پرونده قتل این عده، مهندس زار، رئیس معدن به علت عدم پرداخت بیمه کشته شدگان بازداشت شده بود که نهایتاً دیروز آزاد می شود. مهندس زار، از کشته شدگان حادثه امروز است. وی در جریان کمک رسانی به کارگران دچار گازگرفتگی شده و بر اثر خفگی درگذشته است.

برخی از مهمترین حرکتیهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۸۸

* بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ۵ فروردین کارگران کارخانه چینی کرد در مقابل اداره کار کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

طی سه ماه گذشته حدود ۶۰۰ تن از کارگران کارخانه چینی کرد از کار خود اخراج شده اند.

کارگران اخراجی کارخانه چینی کرد از ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

* روز یکشنبه ۱۶ فروردین برای چندمین بار کارگران کارخانه فرش پارس قزوین در مقابل این واحد تولیدی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا پیش از این کارگران این کارخانه به دلیل مشابه در مقابل وزارت کار استان تهران و دفتر مرکزی واحد تولیدی خود در تهران دست به تجمع اعتراضی زده بودند.

بنا به گزارش دیگری در همین روز از ایلنا کارگران شرکت همکار ماشین در مقابل استانداری تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

* روز دو شنبه ۱۷ فروردین کارگران کارخانه «ایران پویا» در اعتراض به اخراجشان از سوی کارفرما در مقابل این کارخانه اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی نمودند.

به گزارش فریاد کارگر کارگران در تجمع خود اعلام کردند که تا دستیابی به مطالباتشان به اعتراضهای خود ادامه خواهند داد.

* به گزارش آژانس ایران خبر روز دوشنبه ۱۷ فروردین بیش از صد نفر از کارگران کارخانه ذوب آهن مایر با حضور در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برپا کردند.

* روز سه شنبه ۱۸ فروردین کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به کم کردن اضافه کاری و عدم پرداخت دست مزد هایشان و نیز اعتراض به دستگیری علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در محل کارخانه دست به اعتصاب زده اند.

* کارگران شرکت صنایع اراک در فروردین ماه بارها دست به حرکت اعتراضی زدند. به گزارش روز ۲۰ فروردین آژانس ایران خبر یکی از کارگران در جمع معترضان بیانیه کارگران را خواند و از کارگران درخواست کرد برای این توهین بزرگ به جمع کارگری و بی جواب ماندن اعتراضهای و خواسته هایشان مجدد به استانداری رفته و آنجا اعتراضهای خود را ادامه دهند.

* جمعی از کارگران کارخانه کشتی سازی صدرا بوشهر در روز یکشنبه ۲۳ فروردین در اعتراض به عدم بازگشت به کار در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند.

به گزارش ایلنا این کارگران که بیش از ۱۵ سال سابقه کار داشتند، یادآور شدند که سهام کارخانه صدرا از سال ۸۲ به مدیریت سرمایه گذاری بانک ملی واگذار شده است.

* شماری از کارکنان کارخانه کیان تأیر نسبت به عدم پرداخت به موقع عیدی و پاداش و همچنین حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زده اند. به گزارش یکشنبه ۲۳ فروردین آژانس ایران خبر این اعتصاب بیشتر در بخش کارگری رخ داده است.

* کارخانه ریسندگی پریس سنندج روز یکشنبه ۲۳ فروردین شاهد درگیری بین کارگران کارخانه و نیروهای انتظامی و مسئولان این واحد صنعتی بود. به گزارش آژانس ایران خبر این درگیری زمانی شروع شد که مسوولان کارخانه مانع از ورود کارگران به سالن تولید و حتی محوطه کارخانه در کمربندی بهشت محمدی سنندج می شدند که پافشاری کارگران منجر به زد و خورد بین آنان و کارفرما شد. مسئولان کارخانه بلافاصله دست بدامان نیروهای

سرکوبگر انتظامی شدند و آنان نیز با هجوم به کارخانه اقدام به ضرب و شتم کارگران کرده و چهار نفر رابازداشت کردند.

* روز شنبه ۱۵ فروردین کارگران اخراجی شرکت لوله سازی اهواز هر روزه جلوی درب اصلی شرکت که مقابل زندان کارون اهواز است تجمع اعتراضی و تحصن کرده اند.

در این تجمعها کارگران معترض پلاکارد های در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: «اصلاح الگوی مصرف با اخراج کارگران لوله سازی اهواز شروع شد» و «معیشت زندگی حق مسلم ماست». این تجمعها و اعتراضها تا روز ۲۹ فروردین به طور مداوم ادامه داشته است.

کارگران اخراجی لوله سازی اهواز که بالغ بر دو هزار تن اعلام شده اند خواست خود را بازگشت به کار و تأمین امنیت شغلی و حقوقی خود اعلام نمودند.

به گزارش ایلنا صبح روز دوشنبه ۲۴ فروردین تعداد ۳۰۰ تن از کارگران لوله سازی اهواز اقدام به راهپیمایی در سطح شهر، حد فاصل درب کارخانه تا استانداری اهواز نموده اند.

به گزارش روز سه شنبه ۲۵ فروردین ایلنا با وجود گذشتن چند سال از شروع بحران در کارخانه لوله سازی خوزستان هنوز به مشکلات این کارگران رسیدگی نشده است. کارگران رسمی این واحد ۹ ماه و کارگران قراردادی که بیش از ۲۰۰ نفر هستند دارای ۱۳ ماه حقوق معوقه هستند و با وجود این کارگران هنوز هم بر سر کار خود حاضر می شوند.

به گزارش خبرنگار آینده از اهواز در جریان سخنرانی میرحسین موسوی در مسجد ارشاد اهواز کارگران لوله سازی اهواز با برافراشتن پارچه نوشته هایی با مضامین، «چهلیمین روز درگذشت لوله سازی اهواز تسلیت باد»، «منادی عدالت خجالت خجالت»، «کارگر بیدار است از استثمار بیزار است»، «آن دست که نان می دزد نمی تواند آزادی ببخشد»، «ما گدا نیستیم حقمان را می خواهیم»، «عدالت کارگری حق مسلم ماست» در جمع مردم حاضر شده بودند.

نیروهای امنیتی به صورت گسترده در بین مردم حاضر بوده و امنیت محل سخنرانی را برقرار می کردند.

* روز چهارشنبه ۲۶ فروردین تعداد زیادی از کارگران کنتور نویس در مقابل اتاق مدیریت شرکت آب و فاضلاب شهری استان اردبیل تجمع اعتراضی کردند.

به گزارش آژانس ایران خبر در چند روز گذشته نیز تعدادی از کارگران فرجام بتن که اجرای شبکه فاضلاب شهر اردبیل را بر عهده دارد در مقابل ساختمان این شرکت تجمع اعتراضی کرده بودند و این کارگران نیز علت تجمع خویش را عدم پرداخت حقوق و مزایای قانونی خویش اعلام کرده بودند.

بقیه در صفحه ۶

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین

۱۳۸۸

بقیه از صفحه ۵

*روز چهارشنبه ۲۶ فروردین بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران کارخانه قند بردسیر در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کرده و خواهان دریافت ۶ ماه حقوق معوقه خود شدند. به گزارش آژانس ایران خبر آنها هر روز در مقابل ارگانهای مختلف دولتی اعم از فرمانداری، اداره کار، تامین اجتماعی و یا در کارخانه قند تجمع میکنند و خواهان دریافت حقوق معوقه خود و همچنین خواهان بازگشایی کارخانه قند و برگشت به کار خود می باشند.

*روز پنجشنبه ۲۷ فروردین کارگران کارخانه کشت و صنعت شمال در اعتراض به اخراج همکاران خود از سوی مدیریت، تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایلنا این تجمع اعتراضی پس از آن برگزار شد که مدیریت کارخانه کشت و صنعت شمال در اطلاعیه‌ای از اخراج ۲۰۰ تا پایان ماه جاری خیرداده بود. کارخانه کشت و صنعت شمال با داشتن هزار کارگر در استان مازندران از واحدهای تولید کننده و صادرکننده برتر روغن خوراکی کشور است.

*روز شنبه ۲۹ فروردین بیش از ۷۰ نفر از کارگران شرکت همکار ماشین برای رسیدن به خواسته های صنعتی خود در وزارت کار تجمع اعتراضی کردند. به گزارش آژانس ایران خبر کارگران از ساعت ۱۲ ظهر در محوطه چمن وزارت کار در داخل و جلوی درب ورودی در محوطه چمن تجمع کردند. مأمورین نیز دور تا دور آن ها را احاطه کرده و از تماس اشخاص عادی با این کارگران جلوگیری به عمل می آوردند.

خواستهای کارگران ایران خودرو از مدیریت جدید

دوستان و همکاران گرامی سال جدید را با تغییر و تحول جدید آغاز می کنیم. رفتن مدیر عامل قدیم منطقی و آمدن مدیر عامل جدید نجم الدین به شرکت می باشد برای ما مهم نیست چه کسی مدیر عامل می شود. برای ما مهم بر آوردساختن خواستههای اصلی ما در زمان کنونی است. منطقی با بی توجهی به خیلی از خواستههای ما در راستای خوش خدمتی به سرمایه داران سرانجام همچون غروی به راهی رفت که آمده بود.

ولی امروز در راس امور ایرانخودرو کسی قرار گرفته است که خود سالها در ایرانخودرو بوده و بهتر می داند اگر به خواستههای ما بی توجهی کند به جای خواهد رفت که مدیران پر قدرتر از او رفتند. آقای نجم الدین حتما می داند ما چه خواستههای داریم و ایشان می داند که اعتصاب ۱۰ تیر برای چه در ایرانخودرو ایرانخودرو دینزل به وقوع پیوسته است. ما به مدیریت جدید اعلام می کنیم که ما کارگران ایرانخودرو برای بر آورد ساختن خواستههای خود هرگز نه سازش خواهیم و نه عقب خواهیم نشست. مهمترین خواستههای کارگران ایرانخودرو در شرایط کنونی بدین شرح است

۱- بازگشت به کار تمام کارگران اخراج شده شرکتهای پیمانکاری
۲- بازگشت به کار کارکنان نشریه کار آمد و تیریه آنان
۳- لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران
۴- جلوگیری از گسترش شرکت های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت

۵- اخراج حراست از سالنهای تولیدی و عدم دخالت آنها در امور شخصی کارگران
۶- آزادی تشکلهای کارگری و برگزاری هرچه سریعتر انتخابات کارگری

۷- لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کار عادی
۸- افزایش حق آکورد (حق بهره وری)
۹- افزایش حقوقها متناسب با افزایش قیمتها در کشور
۱۰- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
۱۱- اجرای بازنشسته کردن کارگران و لغو سقف پرداخت حق سنوات
۱۲- کاهش فشار کاری با استخدام نیروهای جدی

جمعی از کارگران ایرانخودرو
بیستم و چهارم فروردین ۱۳۸۸
<http://khodrokar.blogfa.com>

اعلام موجودیت و فراخوان «کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه»

کارگران و مردم آزادیخواه ایران و جهان!
کارگران نیشکر هفت تپه پس از ماه ها رنج و تلاش اکنون زیر بیشترین فشارها قرار دارند. این کارگران مطابق آن چه در مقاله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کاربدان تصریح شده، اقدام به ایجاد تشکل مستقل خود نموده اند و در آبان ماه ۸۷ در مجمع عمومی "سندیکای کارگران

نیشکر هفت تپه" را ایجاد و نمایندگان خود را انتخاب کردند. همبستگی کارگران در هفت تپه منجر به پرداخت حقوق های معوقه، افزایش ۷۰ هزار تومان به حقوق کلیه ی کارکنان، در دستور کار قرار گرفتن استخدام رسمی بخش وسیعی از کارگران هفت تپه، جلوگیری از فروش زمین و خصوصی سازی کارخانه شد و...

در نیمه ی دوم سال ۸۷ نمایندگان کارگران هفت تپه بارها مورد تهدید قرار گرفتند و بازداشت و دادگاهی شدند و در اسفند ماه ۸۷ دوباره هفت تن از اعضای هیئت مدیره ی سندیکا آقایان، فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، نجات دهلی، رضا رخشان، قربان علیپور، محمد حیدری مهر و رحیم بسحاق، دستگیر و تحت فشار قرار گرفتند و در نهایت هم با قرار کفالت آزاد شدند. همچنین احکامی نیز برای نمایندگان کارگران صادر شده است. علی نجاتی رئیس هیئت مدیره ی سندیکا نیز از ۱۸ اسفند ماه تا کنون در مکان نامعلومی در بازداشت به سر می برد.

کارگران!

صحبت از بیکارسازی تعداد زیادی از کارگران، وا گذاری کارخانه به بخش خصوصی و سپس تغییر کشت زمین های کشاورزی و به عبارتی نابودی نیشکرهفت تپه می شود. همه ی این ها بدین معناست که نظام سرمایه داری علاوه بر فشار های غیر انسانی به نمایندگان کارگران هفت تپه، زندگی حدود ۴ هزارکارگر و خانواده هایشان را نیز برای همیشه در معرض نابودی قرار داده است.

ما میدانیم که با گسترش بحران سرما یه داری، بیکارسازی و اخراج کارگران در آینده در سطح وسیعی ادامه خواهد داشت و امنیت شغلی کارگران را تهدید میکند و لزوم همبستگی کارگران هر چه بیشتر احساس میشود . حمایت از کارگران هفت تپه حمایت از خود ماست .

در این ارتباط ، ما امضا کنندگان، ضمن اعتراض به این سرکوب ها، آمادگی خود را برای حمایت مؤثر و همه جانبه از حقوق کارگران هفت تپه برای پایان دادن به هر گونه پیگرد و محاکمه ی اعضای هیئت مدیره ی سندیکا و آزادی علی نجاتی رئیس هیئت مدیره ی سندیکای کارگران هفت تپه اعلام داشته و با تشکیل " کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه " اعلام می کنیم از این پس، به هر طریق ممکن اعم از اطلاع رسانی اخبار کارگری هفت تپه، ترغیب تشکل های داخلی و جهانی کارگری، نهادها و فعالین حقوق بشر و هر گونه اعتراض ، دعوت از کارگران ... برای توقف فضای

سرکوب و ارباب نسبت به فعالین کارگری و احقاق و تثبیت حقوق و مطالبات کارگران در هفت تپه اقدام خواهیم کرد. ما از کلیه ی افراد ، کارگران، زنان ، معلمان، نویسندگان، تشکل ها و فعالان کارگری و اجتماعی و دانشجویان می خواهیم با حمایت و مشارکت در این حرکت انسانی و طبقاتی به حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه برخیزند.

کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه

۱۰ فروردین ۱۳۸۸

komitedefat7.blogfa.com

امضا کنندگان اول این فراخوان عبارتند از:
محمد اولیایی فرد(وکیل اعضای هیئت مدیره ی سندیکای کارگران هفت تپه)-
ابراهیم امدادی-مهرداد امین وزیری -
مجید اشرف نژاد- علی رضا اخوان -
مهدی الهیاری- مریم آموسا- ابوطالب باقری- زهرا بدشت- شادمان بنی بشر-
صدرا پیرحیاتی- علیرضا تقفی- ویکتوریا جمشیدی- نسرين چنگیزیان- خالد حسینی- مجید حمیدی- پرویز حاج میرزایی- بهروز خیاب- علیرضا خیاب- لیلا خلیلی- عین الله خادمی- رضا دهقان- محمد کریم دلفان- فریبرز رئیس دانا- فرزانه راجی- خانواده رضا رخشان- سمیه رشیدی- سوسن رازانی- ناصر زرافشان- شاهرخ زمانی -علی سالم- مسعود سلیم پور- بهزاد سهرابی- مهدی سروقدی- هاجر سعیدی- فخری شادفر- فاطمه شاه نظری- مریم شیرازی- هاله صفرزاده- بیژن صباغ- غلامعلی صفایی- ایلقار صمدزاده- کامران طاهباز- بیتا طاهباز- علیرضا عسگری- غلام حسین عابد- میلاد عمرانی- وحید علیقلی پور- فتنه عباسی- پویس عزیزالدین- حسین غلامی- موسی فرهمند- فرامرز فطری- فرشید فرهادی- شیما فرزاد منش- سیروس فتحی- فواد فتحی- وفا قادری- مینا قربانی- پرویز قره باغی- یوسف قنداق ساز- سعید کیوان- صالح کیاماری- صدیق کبیری- افسر کریمی- سودابه کریمی- اکبر معصوم بیگی- نسترن موسوی- مریم محسنی- مجید ملکی- سعید مقدم- جهانگیر محمود ویسی- شهربانو مقدم- مازیار مهرپور- امید میرکی- مونا محمدزاده- شایسته ناصری- داریوش نوید- خانواده ی علی نجاتی- فردین نگهدار- پریسا نصرآبادی- روان نیکخو- کنور نوری- کژال نصرالهی- میترا همایونی- سودابه یاری...

توضیح نبرد خلق: پس از انتشار این فراخوان تا کنون شمار زیادی از جریانهها و فعالان سیاسی و اجتماعی و منجمله سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بسیاری از فعالان آن از این فراخوان حمایت کرده اند.

**سرکوب، آزار، یرونده سازی،
دستگیری، شکنجه و محاکمه
فعالان کارگری در ایران را به
شدت محکوم می کنیم.**

استبداد مذهبی و جنبشهای اجتماعی

جعفر پویه

جنبش اجتماعی مردم ایران بی امان ادامه دارد. برای برون رفتن از موقعیتی به غایت پیچیده در تقابل با استبداد تاریخی حاکم، مردم ایران همه راههای ممکن را آزمایش می کنند. سالهاست که مردم بعد از یک دوره رویارویی، پس از یک عقب نشینی مختصر و تجدید قوا بار دیگر پر هیمنه تر به جای خویش باز می گردند. این که هر بار این جنبش چگونه به تقابل با حاکمیت تا دندان مسلح به اسلحه و ایدئولوژی بر می خیزد، به تحلیلی که از اعماق اجتماع و از لابلای لایه های مختلف آن بیرون آید، بر می گردد. در این تقابل نفس گیر، روشنفکر این جامعه به طور روزمره به همواردی مشغول است و بیشترین بهار را نیز می پردازد. ولی این گونه نیست که فقط او طرف حساب حاکمیت باشد و مابقی اقشار، نظاره گر میدان باشند. جنبش شهرها و برآمدن امواج متواتر اعتراضهای وسیع مناطق مختلف که گاه چندین روز به طور مداوم ادامه پیدا می کند، از جمله مبارزاتی است که گاه برخی، آن را جزو شورشها و یا اعتراضهای کور دسته بندی می کنند. عدم درک درست از لایه های اجتماعی در یک سیستم استبدادی و خواسته های آنان است که این گونه تحلیلها را باعث می شود. زیرا استبداد سعی می کند تا با کلی کردن و درهم آمیزی اقشار مشخص، اعتراضهای آنان را سردرگم بنمایاند. با این کلی سازی حاکمیت سعی می کند تا درخواستهای اقشار مشخص را بدون توجه به موقعیت آنان حاشا کند تا بتواند ماهیت و پایگاه اجتماعی آنان را نیز انکار کند. این عمل استبداد روی دیگر سکه ای است که به دلیل نادانی یا عدم درک درست این گونه اعتراضها، آنان را در تفسیر در لفاف کلی ای همچون "شورش کور" می پیچد. این گونه تفسیرگران به شیوه ای دیگر، خواسته بخش مشخصی از جامعه را همراستا با اندیشه استبدادی انکار می کنند. این به معنی بی حقوق دانستن اقشار گوناگون جامعه است که به این شیوه موقعیت آنها انکار می گردد و نادیده انگاشته می شود. زیرا در حاکمیت استبدادی، اقشار مشخص اجتماعی و طبقات، موجودیت و کارکرد ندارند. اندیشه استبدادی به طور کلی موجودیت این اقشار و طبقات را به رسمیت نمی شناسد و بالطبع حقوقی نیز برای آنان قابل نیست. آنچه

رسمیت می یابد و از نظر آن وجود دارد، عناوین کلی ای همچون ملت، امت یا مردم است زیرا با این کلی گویی و بسته بندی بزرگ همه اقشار و ریختن آنان در ظرف بزرگی که کشور تحت حاکمیت اندیشه تمامیت خواه است، وجود اقشار مشخص و طبقات اجتماعی می تواند انکار شود. در این انکار، راز بزرگ موفقیت استبداد برای بی حقوق کردن آنان نهفته است. به زبان دیگر، یکی از مشخصه های بزرگ و قابل دید در برآمد جنبشهای شهری و اعتراضهای اقشار مشخص، تثبیت موقعیت خویش و دفاع از موجودیتی است که استبداد سعی دارد آن را منکر شود. یعنی، خود این اعتراضها گونه ای هویت یابی است که با توجه به کارکرد این هویت و ماهیت ضد استبدادی آنست که باید بیش از همیشه مورد توجه قرار گیرد و با تاکید بر حقوق مترتب مشخص آنان و حمایت از اظهار موجودیشان، استبداد را در موقعیتی قرار داد تا نه تنها این موجودیت را به رسمیت بشناسد بلکه، حقوق این اقشار مشخص را نیز پذیرفته و به آن گردن بگذارد.

با این حساب هر برآمد اعتراضی از جنبشهای نهفته اجتماعی در حاکمیت استبدادی اگر بتواند موجودیت خود را تثبیت کند و حقوق اجتماعی خود را درخواست نماید، گامی بلند علیه استبداد و اندیشه تمامیت گرای آن برداشته است. بدیهی است که در چنین وضعیتی طبقات اجتماعی از موقعیت ویژه برخوردار خواهند بود. این موضوع تنها به طبقه کارگر و خواسته های پایمال شده آن که در رژیم استبدادی از چند جهت مورد هجوم قرار دارد محدود نمی شود بلکه، اقشار و طبقات میانی و بالا دست نیز از موقعیتی مشابه برخوردارند. بنابراین از طبقه کارگر تا طبقه سرمایه دار، دو قطب اصلی ساختار جامعه کنونی ایران، درگیر اثبات موقعیت طبقاتی خویش هستند. یعنی، در رژیم استبدادی، کلان سرمایه داران و سرمایه داران متوسط و میانه نیز بر خلاف درآمدهای نجومی، از حقوق اجتماعی و طبقاتی خویش برخوردار نیستند. آنان همچون امربران محاسبه شده و در سیستم استبدادی از هیچ گونه حقوق طبقاتی برخوردار نیستند. به زبان دیگر، این موقعیت طبقاتی آنان نیست که به آنها هویت می بخشد بلکه، این دوری و یا نزدیکی آنان به راس هرم قدرت

است که هویت آنان را تعیین می کند و با توجه به همین موقعیت است که آنان می توانند در غارت اموال عمومی شریک باشند و بر شمار اعداد حسابهای بانکی خویش بیفزایند و گرنه این که عمل و یا موقعیت یک یا چند سرمایه دار چقدر در موقعیت اقتصادی کشور مهم است و یا مجموعه تحت مدیریت و یا تملک آنان چگونه کارکردی دارد، هیچ وقت مورد توجه نبوده و از درجه اهمیت برخوردار نیست. زیرا به فرض اینکه آن موقعیت از درجه اعتبار بالایی برخوردار باشد، تنها یک دسیسه گماشتگان استبداد کافی است تا از همه آن چه که فرض بر مهم بودن آن قرار گرفته، چیزی نماند و دارنده آن موقعیت نه تنها همه دارایی خود را از دست بدهد بلکه، جانش نیز در خطر قرار گیرد. اگر سرمایه دار جامعه استبداد زده به طور واقعی سرمایه دار باشد و هویت اقتصادی و اجتماعی و به ویژه طبقاتی خویش را درخواست کند، آن وقت است که عمل او با استبداد در تضاد قرار می گیرد و در عمل به جبهه مخالفان می پیوندد. به زبان دیگر، هرگونه هویت یابی چه اقتصادی، اجتماعی باشد و چه طبقاتی، عملی ضد استبدادی است و با منافع راس هرم سیستم استبداد در تضاد قرار دارد.

حال با توجه به پیچیدگی عوامل ضد استبدادی و حقوق اقشار و طبقات مختلف اجتماعی باید گفت مبارزه ضد استبدادی از چنان ظرفیتهای برخوردار است که گاه به دلیل درک غلط از کارکرد گوناگون عوامل موثر در آن، تلاشهای بسیاری به بیراهه می رود و نتیجه حاصله به دلیل این درک غلط و ناتوانی در تئوریزه کردن آن به جیب قدرت مطلق ریخته می شود. برای درک بهتر این گوناگونی مبارزه و فهم آن، پرداختن به مبارزات جوانان و زنان می تواند مثال خوبی باشد زیرا بسته بندی کردن این گونه اقشار اجتماعی اگر از سویی به دلیل درک غلط، آشتی طبقاتی معنی بدهد از سوی دیگر، همراستایی و همدستی برای مبارزه ای قدرتمندتر علیه رژیم استبدادی است. جنبش جوانان بدون توجه به بافت و ساختار طبقاتی آن و جهت گیری طبقاتی حرکتی اعتراضی آنان اگر گونه ای مغلطه نباشد، چه چیز دیگری است؟ و یا جنبش زنان نیز به هم این گونه. زیرا جنسیت معیار ساخت و یا برخورد و حق خواهی در جامعه طبقاتی

نیست. حقوق جنسیتی زنان در مبارزه جنسیتی علیه جامعه مردسالار مفهومی دارد که با فمینیسم معنا می یابد و آن هم سهم خواهی برابر زنان در دخالتهای اجتماعی شان است. اگر در جامعه ای عرفی زنان همدوش مردان در همه عرصه ها به کار مشغولند، پس می توانند و باید به چرایی این موضوع بپردازند که چرا در موقعیت شغلی مشابه با همکاران مردشان از دستمزد برابر برخوردار نیستند و همچنین است سهم خواهی آنان در دیگر مواردی که مطرح می شود. اما در جامعه ای که استبداد دینی در آن حاکم است و سیستم تمامیت خواه بر اساس اعتقادات دینی و متحجر خود زنان را در کنج خانه می پسندد و تمام تلاش خود را برای بیرون راندن آنان از سطوح مختلف جامعه به کار می گیرد، موضوع مبارزه زنان نه مضمونی فمینیستی بلکه، آزادیخواهانه و ضد استبدادی دارد. این به معنای گذشتن از حقوق اجتماعی و برابری خواهی زنان نیست بلکه، در گام اول زنان در سیستم استبدادی مجبور هستند تا موجودیت اجتماعی خود را تثبیت کنند و حضور فعالانه خود در جامعه را به سیستم بقولانند و سپس به مرحله بعدی که حقوق موقعیت تثبیت شده است بپردازند. پردازش این موضوع که چگونه زنان با ظرفیتهای دو این خواسته ها را در شعارهای مبارزاتی خویش متبلور می کنند و با اعتراضهایشان به سطح جامعه می کشانند، برمی گردد به قدرت و توانایی آنان در سازماندهی خویش و درک درست از موقعیت اجتماعی مشخص که چگونه می شود و باید هر کدام از خواسته ها را به اولویت اول میدل کرد و با تاکید بر روی آن گامی به جلو برداشت. اما این نیز بدیهی است که این جنبش با درهم آمیزی زنان اقشار متفاوت اجتماع و ساختاری که طیف وسیعی از اقشار گوناگون را در خود جای داده است، نه تنها درهم آمیزی و یا آشتی طبقاتی معنی نمی دهد بلکه، همداستان شدن برای ساختن جبهه ای قدرتمند در برابر استبداد است تا بتواند حقوق خود را با توجه به دوگانگی آن که ذکر شد (اثبات موجودیت خود و درخواست حقوق مربوط به آن) درخواست کند و مبارزاتشان را به پیش ببرد.

همین گونه است جنبش جوانان و دانشجویان. اما ویژگی خاصی که جنبش دانشجویی دارد و آن را از دیگر جنبشهای جبهه ای مجزا می کند، خصلت روشنفکری آن است. جنبش دانشجویی به طور خود به خود و بر اساس یک سنت دیرینه تبدیل می شود به صدای اعتراض اقشار متفاوت جامعه که در آن زمان خاص یا تحت فشار قرار دارد و یا به دلایلی دیگر در صف مقدم مبارزه برای حقوق خود نیاز به پشتیبانی و حمایت دیگران دارد. جنبش دانشجویی به دلیل درک تئوریک و دانش تحلیلی خود که او را تبدیل به وجدان نظاره گر جامعه کرده است، با دست به کار شدن و تدارک ابزارهای نوین برخورد با قدرت برای

بقیه در صفحه ۸

کاهش سن اعتیاد، آیینه رژیم نسل گش ولایت فقیه

لیلا جدیدی

یک رییس پلیس حکومت ولایت فقیه میانگین سنی اعتیاد دایمی در تهران را ۲۰ ساله و تفتنی را ۱۸ ساله اعلام کرد. پاسدار سرهنگ سید جواد کشفی که همزمان به تلاش تمسخر آمیزی برای دستکاری آمارهای از پیش دستکاری شده رژیم دست زده است، سن ۳۱ درصد توزیع کنندگان مواد مخدر را زیر ۱۵ سال و ۲۲ درصد را ۱۵ ساله بیان می کند. او امیدوار است که کسی این دو رقم را با هم جمع نزند تا دریابد ۵۴ درصد توزیع کنندگان مواد مخدر در کشور یعنی، بیشتر از نیمی از آنها را کودکان ۱۵ ساله و زیر ۱۵ ساله تشکیل می دهند.

رییس پلیس مبارزه با مواد مخدر که با این اعترافات روشن کرده کار اصلی او مدیریت مواد مخدر است در جایی دیگر آمار رسمی ۱۵۰ هزار معتاد در تهران را اعلام می کند اما اضافه می کند: "بیش از ۵۰ هزار معتاد در تهران وجود ندارد زیرا این آمار بنا بر دفعات دستگیری تعیین شده اند".

این در حالیست که سید کشفی همانجا اعتراف کرده است ۴۷ درصد معتادان برای نخستین بار دستگیر می شوند که رقم سالانه آن به ۷۰ هزار می رسد. بنابراین چنانچه به گفته او ۵۳ درصد دستگیر شدگان سابقه دار باشند، تعداد معتادان از ۱۵۰ هزار نفر نیز بیشتر است.

همین کارپرداز فراموشکار بهشت اسلامی، در آذر ماه سال گذشته به خبرگزاری حکومتی مهر اطلاع داده بود: "آمارهای رسمی حکایت از تعداد ۱۵۰ هزار معتاد و ۸۰ هزار معتاد تفتنی دارد".

این یک ننگ دیگر برای حکومت ولایت فقیه است که کودکان به جای داشتن امنیت، تامین مالی و پرداختن به درس و مدرسه، تفریح و ورزش، به فروش مواد مخدر سوق داده شده اند. آمار رو به رشد اعتیاد و تجارت مرگ در میان کودکان و نوجوانان، آیینی است که در آن پرونده رژیم نسل گش ولایت فقیه منعکس شده است.

۱۷ فروردین

استبداد مذهبی و جنبشهای اجتماعی

بقیه از صفحه ۷

این نیز باز می گردد به سابقه تاریخی و دیرپایی استبداد در این خطه و دلایل گوناگون باز تولید آن در زمانهای مختلف و شکست جنبشهای اجتماعی و ناتوانی از دموکراتیزه کردن روابط در عرصه های مختلف که برای هر کدام می شود دلایل بسیاری را ردیف کرد اما در یک کلام بر این نکته می شود توافق کرد که این استبداد دیرپا و تاریخی است و از همه تجارب برای تحکیم موقعیت خود برخوردار است.

این روزها روزنامه نگاران و نویسندگان نه چندان حرفه ای با دسترسی به اینترنت و برخورداری از دانش روز، خود را به زبان گویای کسانی که برای رساندن فریاد خود به گوش دیگران از هیچ ابزاری برخوردار نیستند تبدیل کرده اند. این بخش نو رسیده در عرصه اطلاع رسانی چه خود به رسالت خویش واقف باشد چه نه، چندان تاثیر گذار است که تمام عوامل پلیسی و اطلاعاتی حاکمیت‌هایی که از گردش آزاد اطلاعات هراسانند همه تلاش خود را بکار می گیرند تا بتوانند آن را محدود کرده و از حجم کارش بکاهند. این محدود سازی به شیوه های متفاوت انجام می گیرد. کم سرعت کردن اینترنت، ابزارهای مدرن برای فیلتر کردن و جلوگیری از دسترسی عامه مردم به سایتها و وبلاگهای آنان، کنترل کاربران و مراجعه کنندگان به آنها و دست درازی به ابزارهای کار این افراد و در نهایت گذراندن قوانین جدید در مراکز قانونگذاری برای محکوم و محدود و مرعوب کردن آنها. یا توجه به حجم بالای تدارکات برای جلوگیری از اعمال این قشر جدید و تازه، می شود به اهمیت کار آنان در مقابله با صاحبان قدرت به ویژه حاکمیت‌های استبدادی پی برد. آرامش گورستانی که بهترین بستر و موقعیت برای حاکمیت است، توسط این قشر جدید برهم ریخته می شود و به کابوسی بدل می گردد که با حداقل امکانات جوانی جویای نام و عاصی رقم زده شده است.

همچنین، روزنامه نگاران حرفه ای و روشنفکری که سعی به انعکاس خبرهای متفاوت می کنند و با کنکاش در کنه موضوعات به ریشه های بسیاری از اتفاقات می پردازند و با روشنگری ذهن جامعه و مردم را نسبت به موضوعاتی خاص روشن می کنند نیز از دسته افرادی هستند که این توانمندی را دارند تا در مبارزات اجتماعی و طبقاتی تبدیل به حامل خواسته های قشر و یا طبقه خاص گردند.

نوع برخورد رژیم استبدادی با سازمان و تشکلهای طبقاتی می تواند گویای بسیاری از این موضوعات باشد. این تنها کارگران و حقوق بگیران نیستند

که اجازه تاسیس تشکلهای صنفی یا سیاسی خود را ندارند و یا با کوشندگان سیاسی و یا صنفی آنان به شدت هرچه بیشتر برخورد می شود بلکه، سرمایه داران نیز از تشکل خاص خود برخوردار نیستند. قادر به تاسیس چنین سازمانهایی نیستند. آن چه به نام تشکل کارفرمایی و یا نمایندگان سرمایه داران معرفی می شود کسی یا چیزی نیست جز عوامل حکومت که خود را به جای آنان معرفی می کنند. این نظریه درست است که در کشوری همچون کشور ما، دولت بزرگترین کارفرما و همچنین بزرگترین سرمایه دار ممکن است اما به جز این، در سطح جامعه به دلیل بافت طبقاتی آن که سرمایه داری است، بسیاری هستند که هویت این طبقه را دارند. آنها با پول سر و کار دارند، به واردات و صادرات مشغولند، کارخانه دارند و روزانه با مشکلات تولید و مواد اولیه و... دست به گریبان هستند. اما از نظر طبقاتی در رژیم استبدادی اینها هویت طبقاتی ندارند، از تشکلهای طبقاتی خود برخوردار نیستند و در قدرت نیز هیچ سهمی ندارند و تنها در نزدیکی یا دوری به راس قدرت و پابوسی و آستانبوسی آن است که هویت می یابند و می توانند به زود بند بیرازند، حقوق کارگران را به موقع ندهند، در صورت اعتراض کارگران از کمک نیروهای سرکوبگر برخوردار شوند و حسابهای بانکی شان چاق تر شود. آنچه در این جا مورد نظر است از نظر تئوری ست که این افراد از بار طبقاتی به عنوان یک سرمایه دار برخوردار نیستند و ابزار حکومت نه از ایشان که بر ایشان نیز هست.

این ویژگی استبداد است که منبع مشروعیت در آن، راس هرم آن است، مهم نیست که در راس این هرم چه کسی نشسته باشد، آن چه مهم است این تئوری است که بدون راس هرم و تمکین همه پیرامون از او، امکان ادامه حیات برای رژیم استبدادی مهیا نیست. اگر ولی فقیه رژیم استبداد دینی حاکم بر میهن ما "عمود خیمه نظام" نامیده می شود، پر بیراه نیست زیرا بدون این عمود خیمه امکان ادامه حیات برای سیستم وجود ندارد. این موضوعی امروزی نیست و قرنهایست که میهن ما درگیر این استبداد تاریخی است؛ استبداد همراه با دین یا بدون دین. این که نوع دینی استبداد دو نوع مشروعیت را هم درآمیخته است نشان می دهد که برای سرکوب ابزار شرعی را نیز در دست دارد. این به آن معنی است که برای مبارزه با آن باید به همه زوایای این استبداد پرداخت و از همه جانب آن را مورد توجه قرار داد تا نادانسته بدون توجه به ویژگی این گونه حاکمیت و با توسل به تئوریهای آکادمیک به این نتیجه نرسیم که جنبش هویت یابی بخشهایی از اقشار جامعه شورشی کور است که بی توجه به عوامل دیگر اجتماعی، برآمد بی حاصل می کند و پس از اندکی تامل به قهقرا می رود.

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای

سازمانها و شخصیت‌های

سیاسی پیرامون بحران

اقتصادی (بخش ۳)

نشست گروه ۲۰

نشست گروه ۲۰ که در آن رهبران بزرگترین قدرتهای اقتصادی جهان جهت راهبری نظم نوین جهانی شرکت داشتند، در روزهای نخستین ماه آوریل در لندن برگزار شد. این در حالیست که در حال حاضر طبقه حاکمه و دستگاه سیاسی کشورهای بورژوازی، تمامی تمرکز خود را بر این گذاشته‌اند که چگونه سیستم سرمایه‌داری را حفظ کرده بدون آن که تلاشی برای درک تاریخی و ریشه اقتصادی این بحران صورت گیرد. بنابراین، جی ۲۰ برای اقداماتی مقطعی اما نه زیر سوال بردن سیستم موجود تشکیل شده بود.

پیش از پرداختن به نشست مزبور، به چند دیدگاه برجسته در تشریح اوضاع کنونی اشاره می‌کنم:

- مارتین ولف در نوشته‌ای در "فاننشیل تایمز" (۸ مارس) می‌نویسد: "اقتصاد دانان سرشناس سرمایه‌داری اکنون درک کرده‌اند که بحران اقتصادی جهان به بدترین شکل از دهه ۳۰ تا کنون رسیده و توفان عظیمی بر پا کرده که حیثیت و اعتبار سیستم سرمایه‌داری جهانی را بر باد داده است. افسانه بازار آزاد که به عنوان حقیقتی غیر قابل چالش نزدیک به سه دهه توسط سیاستمداران، رسانه‌ها و سران بسیاری از اقتصاددانان آکادمیست تبلیغ می‌شد، به طور عقلانی و اخلاقی بی اعتبار شده است. تردیدها پیرامون آینده سرمایه‌داری رو به افزایش است."

- دیوید نورث، از اعضای سرشناس کمیته بین‌المللی انترناسیونال ۴ نیز می‌گوید: "غیر ممکن است که در چنین نقطه چرخشی بتوانیم آینده را پیش‌گویی کنیم، بدانیم به کجا می‌رویم. با این حال در مجموع، سقوط اقتصادی و بحران عمیق اقتصادی، جهان را دگرگون خواهد کرد و شاید هم بدتر از آن. اعتبار بازار ضعیف‌تر و اعتبار ایالات متحده آمریکا صدمه خواهد خورد، نفوذ چین افزایش پیدا خواهد کرد و گلوبالیزاسیون شکست خواهد خورد. اکنون زمان بی‌نظمی و آشفتگی است."

برنلی، فرانکفورت، وین، رم، پاریس و ژنو نیز صورت گرفت.

در لندن سازمان دهندگان تظاهرات شامل ائتلافی از اتحادیه‌های کارگری از انگلیس و کشورهای اروپایی مانند فرانسه، ایتالیا و هلند و همچنین گروه‌های غیر دولتی بودند. شعار این تظاهرات "اول به حقوق مردم برسید" بود. خواسته‌های مشترک آنها که در یک لیست به نشست سران ارایه گردید شامل بسته محرک اقتصادی بیشتر، شفافیت بیشتر و سیاست‌های عملی و عادلانه جهت "هدایت جهان به برون رفت از بحران" بود.

- کریس مارسمدن، در انتقاد از جهت‌گیری این اعتراضها در نشریه بین‌المللی کمیته بین‌الملل چهارم می‌نویسد: "هیچ یک از موضوعهایی که در این تظاهرات مطرح شد، منافع سیستم سوگیری کمپانیهای بزرگ و بانکها را زیر سوال نمی‌برد. این تظاهرات تلاشی بود برای کانالیزه کردن خشم عمومی در جایی امن. نسخه‌هایی که نوشته شد را در دکان هر دولت اروپایی می‌شد پیدا کرد. خبرگزاری دولتی چین، "زین‌هوا" در این باره اینگونه جمع‌بندی کرد: "خواسته‌ها به صورتی بودند که گوردن براون با کمال میل انرا امضا می‌کند."

مارسمدن ادامه می‌دهد: "اگر چه در این تظاهرات کسانی شرکت کرده بودند که وخامت اقتصادی و شرایط اجتماعی آنها را به آنجا کشیده بود اما بسیاری دیگر فعالان سیاسی و اتحادیه‌های وابسته به بوروکراسی اتحادیه‌ای بودند و یا به طور مستقیم در سازمانهای خیریه و گروههای زیست محیطی مانند سبزه‌ها فعالیت داشتند و همچنین "گروههای چپ" که تلاش آنها بیشتر بر افزایش موقعیت سیاسی "کنگره اتحادیه کارگری" (TUC) متمرکز شده بود. در واقع، کاراکتر این تظاهرات برآمده از هدفی بود که پی گرفته شده بود. در این تظاهرات که در هاید پارک لندن برگزار شد، برندن باربر، دبیر کل "کنگره اتحادیه کارگری" ادعا کرد

که بحران اقتصادی حاصل "تصمیمهای غیر مسولانه و بی‌مبالاتی" و "طمعکاری" است. او گفت: "اگر ما می‌توانیم ثروت خوبی بهم بزینم - که می‌توانیم - پس حتما می‌توانیم یاد بگیریم که این ثروت را چگونه عادلانه تقسیم کنیم." - سوزان جورج از ATTAC فرانسه که چپ‌تر از دیگران شناخته شده، معتقد بود که سیستم بهتر مالیاتی بین‌المللی باید برقرار کرد.

- شارن بارو از شورای اتحادیه‌های کارگری استرالیا پیشنهاد "برنامه ترمیم و بهبود که شامل فقیرترین کشورها شود" را ارایه می‌کرد.

برنی سوچر، رییس شرکت مشهور "مریل لینچ" در مسکو به فاننشیل تایمز می‌گوید: "جهان ما درهم فرو ریخته و صادفانه بگویم، نمی‌دانم چه چیزی را می‌توان جایگزین آن کرد. قطب‌نمایی که ما آمریکاییها با کمک آن فرمان را می‌چرخانیم از بین رفته است. آخرین باری که چنین وضعیتی را به لحاظ بی‌نظمی، به هم ریختگی و از دست رفتگی شاهد بودم، در بین دوستانم در روسیه بود؛ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی از هم گسست."

- پال ولکر، یکی از مشاورین ارشد اوباما تاکید دارد، که سقوط اقتصادی سال ۲۰۰۸ "مادر تمام بحرانهای اقتصادی" است و "تا کنون هیچگاه به این سرعت، اوضاع رو به تخریب نبوده است."

او در کنفرانسی در دانشگاه کلمبیا توضیح داد، بحران کاراگری جهانی دارد و حاصل "عدم تعادل عمیق جهانی" است. وی این سخنان را در برابر عده‌ای از برجسته‌ترین اقتصاددانان و حتی سه اقتصاد دان برنده جایزه نوبل بازگو کرد. آقای ولکر افزود: "سقوط اقتصادی سیستم مالی جهان در برابر چشم همه تحلیل‌گران و روشنفکران اتفاق افتاد، با این وجود حتی متخصص‌ترین افراد هم نمی‌دانند چه شده و چه خواهد شد."

مشاور ارشد اوباما پیرامون بهبود اقتصادی اعتراف کرد که خود هیچ پاسخی به این سوال ندارد. او به طور ضمنی اقرار کرد که حتی به اقدام جدید اوباما و پولی که به بانکها داده شده نیز اطمینانی ندارد و نمی‌داند که آیا این آلترناتیو درستی است یا نه. برای پی بردن به جایگاه ولکر باید دید که رییس دانشگاه کلمبیا او را چگونه معرفی می‌کند: "ولکر جایگاه ویژه‌ای در تاریخ این کشور و جهان دارد. او شخصی است که در حساسترین شرایط از خود شایستگی رهبری نشان داده و توانسته مسایل را روشن ببیند و روشن بیان کند، وقتی که دیگران نمی‌خواستند حتی گوش بسپارند."

با این حال، پیشنهاد او به عنوان آلترناتیو این است که تمامی بانکها باید تابع مقررات شده و تحت نظر باشند اما فقط آنها که از اهمیت سیستماتیکی در سراسر جهان برخوردارند و بین‌المللی بوده و ملی نیستند، باید تحت نظارت قرار گیرند.

اعتراضها علیه جی ۲۰ و واکنش به آنها

پیش از نشست جی ۲۰، مردم اروپا اقدام به برگزاری تظاهراتی کردند که بزرگترین آن با شرکت ۳۵ هزار نفر در لندن بود. این تظاهرات در دیگر شهرهای مهم اروپایی از جمله در

- اما تام درو جنبروک، عضو ACLVB که یکی از سه بزرگترین فدراسیونهای کارگری کشور بلژیک است و به همراه ۵۰ عضو دیگر این فدراسیون در تظاهرات لندن شرکت کرده بود، با دیدی مثبت به این تظاهرات می‌گوید: "آنچه که در بلژیک در حال حاضر در جریان است پرداخت پول به نهادهای مالی است در صورتی که هیچ بخشی از آن به دست کارورزان جامعه نمی‌رسد. به عکس، فشار از سوی کارفرمایان افزایش یافته و مزایا کاهش پیدا کرده است. انتقادات زیادی به روال پیش گرفته می‌شود و مردم ناراضی و نگرانند. دولت بلژیک نیز مثل اینجا دست به "نجات مالی" زده است. بعد از این بحران تنها یک بانک در بلژیک باقی خواهد ماند، بقیه یا تحت کنترل قرار می‌گیرند و یا از بین می‌روند."

او می‌گوید: "باید مردم فشار بیاورند چون در حال حاضر سیستم خود را بلعیده. سیستم مالی موتور اقتصادی بوده و اکنون ما به یک اقتصاد متعارف نیاز داریم. سیستم بانکی هزار بار بیشتر از حد انتظار در حال سقوط است. اگر اقدامی واقعی نشود، با فاجعه روبرو خواهیم شد."

از سوی دیگر چند روز پیش از نشست جی ۲۰، هزاران نفر نیز خیابانهای پایتخت آلمان، برلین و فرانکفورت که مرکز مالی آلمان در آن قرار دارد را پر کردند تا به سیاستهای دولت آلمان و سیستم سیاسی آن اعتراض کنند.

تظاهرات زیر شعار "ما هزینه بحران شما را نمی‌پردازیم" بر پا گردید. این تظاهرات توسط گروههایی که شامل ATTAC (یک جنبش بدیل جهانی سازی)، اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های رادیکال اجتماعی و سیاسی بود. ۲۰ هزار نفر در تظاهرات فرانکفورت و ۱۵ هزار نفر در برلین شرکت کردند که حتی دور از انتظار سازماندهندگان آنها بود. به طور کلی شعارهای داده شده گویای آن بود که پول هنگفتی از دولت به بانکها داده شده و مردم باید بار آنرا به دوش بکشند. بحران اقتصادی از هم اکنون به وضوح در این کشور حس می‌شود و به همین دلیل بسیاری از شرکت کنندگان کسانی بودند که مشاغل خود را از دست داده بودند.

در هر دو تظاهرات، مهمترین و اصلی‌ترین سخنرانان، رهبران "حزب چپ" بودند. در فرانکفورت اسکار لافوتتن و در برلین گریگور گیزی. گیزی و لافوتتن هر دو در سخنانشان سیاستهای دولت آلمان را مورد سرزنش قرار دادند و خواستار اقدامات رادیکال برای خاتمه دادن به بحران شدند. آنها بانکها را موسساتی مافیایی خواندند که از دولت آلمان بهره‌بردار می‌کنند.

نشریه "کارگران سوسیالیست" در آمریکا پیرامون اعتراضات و تجمعیهای پیش از نشست جی ۲۰ می‌نویسد: "از چند روز پیش تظاهراتی تدارک دیده می‌شد که پیام‌هایی آن این بود که کارگران و مردم فقیر نباید مجبور به پرداخت بهای بحران اقتصادی باشند."

بقیه در صفحه ۱۰

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹

اریک توسین و دمنین میله، اعضای "کمبته برای لغو بدبیهای جهان سوم" می گویند: "پیرامون نشست لندن به طور وسیعی اینگونه تبلیغ شده بود که ۲۰ رهبر کشورهای صنعتی و کشورهای در حال رشد گردهم خواهند آمد تا برای بحران اقتصادی چاره اندیشی کنند. اما از همان آغاز مشخص بود که آنان برای برخورد با چنین چالشی از جا بر نمی خیزند. از همان ابتدا، گروه ۲۰ به وجود نیامده بود که راه حلی واقعی برای بحران اقتصادی بیابد. این گروه در نوامبر ۲۰۰۸ برای نجات قدرتها از نابودی و شاخ و برگ دادن به سرمایه داری گرد هم آمد. از این رو، این غیر ممکن است که انتظار داشته باشیم آنها دست به روشهای رادیکال برای نجات مردم بزنند.

جی ۲۰ به نو - لیبرالیسم دست نزنده و اصول آن باز تکرار می شود اگر چه کاملاً شکست خورده اند. جی ۲۰ وابستگی خود را به اقتصاد جهانی که بر پایه بازار آزاد است حفظ کرده است.

تظاهرات پیش از نشست که به طور گسترده در لندن، وین، برلین، مادرید، روم و غیره صورت گرفت، خواست مشترکی را بر جسته می کرد: "بگذارید ثروتمندان هزینه بحران را بپردازند". استقبالی که ماه ژانویه از فورم اجتماعی جهانی شد نشان داد که جنبش مردم نه تنها خاموش نشده بلکه، تازه شروع شده است.

پیروزی در سازماندهی تظاهرات ۲۹ ژانویه در فرانسه و سپس ۱۹ مارس (۳ میلیون نفر در خیابانها) شاهدهی بر این امر است که کارگران، بیکاران و جوانان خواستار راه حل‌های دیگری برای بحران هستند."

اوباما و نجات جی ۲۰

در آخرین لحظات و در ۳۰ دقیقه مشقت بار، رهبران بزرگترین اقتصادهای جهان حیرت زده به تیک تیک ساعت که رسیدن به زمان پایان نشست را یادآوری می کرد، خیره شده بودند. آنها امیدوار بودند که به یک برنامه مشترک دست پیدا کنند تا بتوانند اقتصاد شکسته جهانی را به هم بند بزنند.

گره کار را می توان گفت در واژه "هشدار" لیست سیاه گریزگاه های مالیاتی بود که برای همکاریهای اقتصادی ارایه داده شده بود. سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه مایل بود گفته شود جی ۲۰ به رعایت لیست سیاه "هشدار" می دهد و هوجیتا او، رئیس جمهور چین مخالف آن بود و حاضر نبود به هیچوجه کوتاه بیاید. اینکه آقای هوجیتا او حاضر نمی شد با کسی بدون مترجم حرف بزند، وضع را دشوار تر نیز کرده بود.

با این حال، در همه امور دیگر مذاکرات به آرامی پیش رفته بود. جی ۲۰ با اقداماتی جهت کنترل مالی جهانی و بازسازی صندوق بین المللی پول به توافق رسیده بود. اما باز تیک تیک عقربه های ساعت، فرو پاشی نشست را یادآوری می کرد، حتی تاخیر در مصاحبه مطبوعاتی می توانست در بازار تاثیر گذار باشد. اما اوباما، رئیس جمهور آمریکا که در اولین نشست بین المللی شرکت می کرد، به نجات این نشست شتافت. اوباما بعد از مقدار زرمه در گوشی با گوردن براون، سارکوزی را به گوشه ای فراخواند و حدود ۵ دقیقه با او صحبت کرد.

سپس او رئیس جمهور چین را نیز به گوشه ای برد و با او هم مقداری زرمه کرد و سپس هر دو را به همان

گوشه برد و در برابر چشمان حیرت زده بقیه اعلام کرد که یک توافق میانه پیدا شده است.

او به سارکوزی گفت: "بین، بیا یک گام به عقب بر دار و بگذار این موضوع را روشن بینانه نگاه کنیم" او گفت: "می توانیم واژه "هشدار" را به "توجه" تغییر دهیم. بعد از چند لحظه سکوت هر دو با آن توافق کردند و چند دقیقه بعد، فراخوان پایانی امضا و اعلام شد. گوردن براون این واقعه را "لحظه تاریخی" توصیف کرد.

اجلاس گروه بیست در شرایطی برگزار شده بود که آلمان و فرانسه، به ویژه بریتانیا و آمریکا را تهدید کرده بودند که در صورت بی توجهی به لزوم تغییر مقررات مرادفات مالی جهانی، اجلاس را ترک خواهند کرد که این موضوع تا پیش از پایان اجلاس رخ نداد.

نیکولا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه پس از اجلاس گفت، توافق به دست آمده "بیش از حد امید و انتظار ما بوده است."

آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان نیز گفت، موازینی که مورد توافق قرار گرفت بنیاد بازارهای مالی جهان را شفاف تر می سازد و توافقات به دست آمده را "مصلحه ای تقریباً تاریخی" خواند.

با این حال اوباما و گوردن براون در پاسخ به این سوال که به هر حال این چه سودی برای مردم دارد، نمی توانند پاسخ دهند.

پدیدگاهها پس از نشست جی ۲۰

- ادموند کانوی، سرمقاله نویس اقتصادی روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف در این باره می نویسد: "اگر چه بهترین پاسخ آنها به این سوال این بود که اقداماتی که خود به تنهایی پیش خواهند گرفت، به هر حال بهتر و موثر تر از نتیجه این نشست خواهد بود. با اینکه چنین ادعایی به احتمال واقعیت دارد اما این پاسخ به مردمی که قرار شد ۱/۱ تریلیون از پولشان به کانالهای مختلف بین المللی واریز شود، دلگرمی نمی دهد."

آقای ادموند می افزاید: "واقعیت این است که با وجود تمام اعداد بالایی که در این نشست یاد شد، یک پنی هم پول نقد از طرف کسی پرداخت نشد. بیشتر قول پرداخت مقدار زیادی از این پول هم داده شده بود. در ثانی، میزان زیادی از آن تنها موقعی پرداخت می شود که صندوق بین المللی پول وامهای تازه ای به دولتهای بحران زده و فقیر بدهد که آنهم بعید به نظر می رسد."

- طارق الحماید، ژورنالیست و سردبیر روزنامه الشرق الاوسط است. او

تحلیلگر و نظریه پرداز پیرامون اخبار و رویدادهای روز است و در این امر شهرتی جهانی دارد. او همچنین یکی از منتقدین جمهوری اسلامی نیز می باشد.

آقای الحماید در مقاله ای پیرامون نشست گروه ۲۰ با عنوان "نظارت و اصلاح" می نویسد: "آنچه که در بیانیه پایانی نشست گروه ۲۰ جلب توجه می کند، تکرار واژه های "نظارت" و "بازسازی" است. این نشان می دهد که بحران مالی که جهان را در خود فرو برده حاصل عدم نظارت مالی و "تنظیم اقتصادی" است. اما ما دستکم به چند دلیل دیگر نیز آگاهی داریم، برای نمونه حیف و میل میلیارد ها دلار در اثر نبود مدیریت صحیح که به دود شدن و به هوا رفتن منابع مالی دولت و نهادهای مالی در شکلی بی سابقه منتهی شد.

او می گوید: "با وجود دلخوشی بازار و نظاره گران در نشست تاریخی گروه ۲۰ در لندن، ما هنوز نمی دانیم که بدترین دوران بحران اقتصادی را پشت سر گذاشتیم یا از این هم بدتر خواهد شد؟ به ویژه آنکه برخی از بخشهای مالی در مرکز خطر قرار دارند و باعث حیرت است که تا بحال هم فرو پاشیده نشده اند. به مرحمت تکرار این دو واژه که هر دو در مجموع معنی اصلاحات را می دهند، سوال این است که اگر "نظارت" و "اصلاح" مالی بر میدان مالی انجام شود، آنوقت سیاست چه می شود؟ بخش سیاسی چگونه با آن خود را تطبیق می دهد.

معما در این است که گروه ۲۰ موافقت کرد که یک تریلیون دلار برای حمایت از تجارت و کمک به تضمین ثبات و ایجاد اعتبار و رشد هزینه کند. خب بیایید ببینیم در چه کشوری؟ چه کشوری اولین نفر است برای مراجعه؟

پاسخ پاکستان است. آنوقت این سوال پیش می آید که آیا جامعه جهانی یا کشورهای اعانه دهنده باید کمک کنند تا بحرانهای پاکستان به پایان برسد یا اینکه نقش آنها تنها پرداخت پول است؟

به موازات ارایه کمک مالی، چه به کشورهایی که اقتصادشان عقب مانده است یا بحران زده شده اند، اقدامات جدی سیاسی باید صورت بگیرد که به بحرانهای خاتمه دهد. آنچه که امروز ما می بینیم، این است که به بحران فقط پول تزریق می کنیم.

با توجه به اختلافهای اعراب و اسرائیل، آیا این معنی دارد که اسرائیل خراب کند و همه برونند کمک کنند که خرابیها ساخته شود؟ این درست است که گروهی و یا اشخاصی با امنیت ما قمار کنند، ما را وادار به جنگ کنند که بعد بیایند نجاتمان دهند؟

ما پول می دهیم بدون این که سوال کنیم. ثبات سیاسی لازمه بنیادین گشایش اقتصادی است. بنابراین به جای دادن پول برای حل بحران، راه حل‌های سیاسی باید طرح کرد."

گزارشی مختصر از بازتاب گسترده محاصره شهر اشرف

آناهیتا اردوان

بر روی این مسایل ببندیم و در مقابل وقوع یک فاجعه انسانی ساکت بمانیم. به همین خاطر از همه احزاب، فراکسیونهای پارلمان و شخصیت‌های سیاسی، ملی و کسانی که اصول و پرنسب دارند، می‌خواهیم که در مقابل اقدام‌های موفق الربیعی و گروهش بایستند. چرا که این اقدامها، پایمال کردن آشکار تمامی قوانین و توافقنامه‌های بین المللی و حقوق بشری است و به یک فاجعه انسانی منجر خواهد شد و عراق را تبدیل به حیات خلوت آخوندهای حاکم بر ایران برای تسهیل در اجرای نیت خبیثانه شان خواهد کرد.

* دکتر رضا الرضا، دبیرکل "هیات شعبه جعفری عراق" تاکید کرد، موضوع محاصره قرارگاه اشرف، موضوعی سیاسی و ناشی از فشارهای رژیم ایران بر نیروهای عراقی است.

وی در گفتگوی تلفنی با روزنامه "الزمان" افزود: "قضیه مجاهدین خلق موضوع تروریسم و غیره نیست چرا که براساس قوانین بین المللی و بنا به اعلام سازمانهای حقوق بشری، سازمان مجاهدین، سازمانی غیر تروریستی است. این موضوع یک مساله سیاسی است و به طور مطلق هیچ رابطه‌ای با امور حقوق بشری ندارد."

وی ادامه داد: "ما هیچ مشکلی با مردم ایران نداریم بلکه، مشکل با حکومت ایران است. ما اشرف را نقطه بنای دوستی و تاریخ جدید بین دو خلق عراق و ایران به حساب می‌آوریم."

* هفتاد حقوقدان و نویسنده و روشنفکر عراقی و شماری از پزشکان و دانشگاهیان در دانشگاه کردستان با ارسال نامه‌های جداگانه ای برای ژنرال ریموند اودیرون، فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق خواستار تضمین حفاظت ساکنان اشرف شده و از نیروهای آمریکایی خواستند که وضعیت سابق یعنی، وضعیت قبل از ژانویه سال جاری بازگردانده شود.

* در قاهره نیز سیاستمداران و نمایندگان مصری به عدم نقض حقوق ساکنان اشرف فراخوان دادند.

* خبرگزاری "اخبار عراق" در مقاله ای به قلم یوسف جمال، نویسنده و روزنامه نگار عراقی نوشت: "شهر اشرف بعد از تحویل گرفتن پرونده امنیتی حفاظتی این شهر توسط نیروهای عراقی، شاهد فشارهای بسیاری بوده است زیرا مجاهدین خلق سد و مانعی در مقابل پروژه‌های فاشیستی رژیم ایران می‌باشند و برای تغییر دموکراتیک تلاش می‌کنند. فشار بر اشرف اقدامی است که آقای الربیعی بر اساس تعهداتی که به اربابانش در تهران داده است بقیه در صفحه ۱۲

اشتیاقش برای راضی کردن رژیم ایران که مجاهدین خلق را یک مشکل سیاسی و امنیتی و تبلیغاتی محسوب می‌کند، است. روشن است که ربیعی می‌خواهد رژیم ایران را راضی کند بدون این که از این رژیم هیچ گونه تعهدی مبنی بر فعالیتهای ضد عراقی به دست آورد. فعالیتهای مانند مداخله مستمر در امور عراق، به فساد کشیدن سیستم مالی نظام سیاسی، مداخله پی در پی که آخرین آن خبر سرنگون کردن هوایمی بدون سرنشین ایرانی بر فراز خاک عراق است. اما تهدیدهایی که ربیعی هر از گاه مبنی بر اخراج مجاهدین به ایران یا متهم کردنشان به رشوه دادن به مسئولان عراقی مطرح می‌کند، بیش از این که در خدمت تلاش برای خلاصی از دست آنان باشد، به عراق ضربه می‌زند. اپوزسیون عراق در خارج بسیار رنج دیده است، حال خجالت آور است که رژیم جدید عراق که باید نمونه رژیمی باشد که به حقوق احترام می‌گذارد و از مظلومان حمایت می‌کند، تبدیل به رژیمی شود که بر سر درد و رنج سرکوب شدگان و آوارگان معامله می‌کند. رژیم ایران از ربیعی می‌خواهد که اپوزسیون ایران را اخراج کند و به آنها تحویل دهد تا همچون ده‌ها هزار تنی که به دلایل مختلف تحت نام حفظ نظام، اعدام کرد، اعدامشان کند. اتهامات اخیر موفق الربیعی چیزی نیست جز تلاش برای توجیه و تدارک یک عمل ضدبشری که در چشم انداز است."

* "کمیته عراقی حقوقدانان و وکلای برای دفاع از ساکنان اشرف" نیز با صدور بیانیه ای اعمال خشونت و تهاجم علیه ساکنان اشرف را غیر قانونی اعلام کرد و ادامه داد که قوانین کنوانسیون چهار ژنو در مورد تک افراد ساکن اشرف صدق می‌کند.

"جنبش ملی کلدانیهای عراق" با صدور بیانیه ای از همه احزاب، فراکسیونهای پارلمانی و شخصیت‌های سیاسی و ملی عراق خواست در مقابل فشارهای موفق الربیعی، مشاور امنیتی عراق بر ساکنان اشرف بایستند. در این بیانیه با عنوان "فراخوان به کسانی که عراق و مردم عراق را دوست دارند" آمده است:

"آن چه که بر زبان علی خامنه ای آمده، انجام توافق‌های دوجانبه ای است که بین حکام ایران و حامیان آنها بسته شده است. غیر ممکن است که ما در عراق باشیم و چشم خود را

کشتار جمعی، به دادگاه‌های بین المللی ارجاع دهند.

* بیش از صد تن از روسا و شیوخ عشایر، شخصیت‌ها و سازمانهای مدنی از استانهای مختلف عراق با ارسال نامه‌هایی به سفارت آمریکا در بغداد، صلیب سرخ بین المللی، کمیساریای عالی پناهندگان و فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق حمله به ساکنان اشرف را محکوم کردند.

* شورای شیوخ عشایر استان دیالی، امیر قبیله البعید و شیخ کل "عشیره العید" عراق، شیخ عبدالوهاب مندیل، "کمیته عراقی دفاع از اشرف" و "تجمع حقوقدانان مستقل عراق" با صدور بیانیه ای فشار بر ساکنان اشرف را نقض قوانین شناخته شده بین المللی دانسته و محکوم کردند. آنان خواهان تضمین حفاظت شهر اشرف شدند. در بیانیه "شورای شیوخ عشایر استان دیالی" تاکید شده که اقدام‌هایی که علیه شهر اشرف صورت می‌گیرد، چهره عراق را نزد جهانیان لکه دار می‌کند.

شماری دیگر از احزاب و سازمانهای غیر دولتی عراق از جمله "جبهه گفتگوی ملی عراق فرات میانی"، "کمیته دوستی کردهای عراقی با مردم ایران"، "تجمع میهن پرستان عراق" و "انجمن روشنفکران و متخصصان عراق" در بیانیه‌های جداگانه، فشار بر ساکنان شهر اشرف از سوی موفق الربیعی را مغایر قوانین بین المللی و اصول ملی و زمینه ساز گسترش دخالت‌های رژیم حاکم بر ایران در عراق دانستند. در این بیانیه ها از همه وجدانهای شریف و آزاده عراق برای محکوم کردن و افشای چنین توطئه شومی که مقدمه وقوع یک بحران و فاجعه انسانی در کشور عراق توسط رژیم پلید ایران و عواملش در عراق است، دعوت شده که به مقاومت برخیزند.

* وزیر حقوق بشر عراق در دیدار با رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ اعلام کرد که دولت عراق به حفاظت اشرف و کنوانسیون ژنو پایبند است.

* سردبیر تلویزیون العربیه در مقاله ای که در روزنامه "الشرق الاوسط" درج شده تهدیدهای موفق الربیعی علیه ساکنان شهر اشرف را شرم آور و در خدمت رژیم حاکم بر تهران دانست. وی در این مقاله با عنوان "حاکمان امروز، اپوزسیون دیروز" نوشت:

"اظهارات پی در پی موفق الربیعی علیه مجاهدین نشانگر میزان

محاصره شهر اشرف که در حال حاضر در عراق جریان دارد، رویدادی مهم از منظر انسانی و مبارزاتی است که باید از طرف همه نیروهای مردمی در همه جا محکوم گردد. شهر اشرف به مثابه مانعی اساسی در مقابل اعمال سیاستهای ارتجاعی و دخالت‌های ولایت فقیه در منطقه عمل می‌کند و عمل ننگین محاصره و فشار بر ساکنان شهر اشرف، یک نقطه عطف در رویارویی ارتجاع با نیروهای خواهان استقرار دموکراسی و عدالت به شمار می‌آید. از همین رو انعکاس موضع گیریهای احزاب و سازمانهای دولتی، غیر دولتی، شخصیت‌ها، خبرگزاری‌های رسمی، روشنفکران لاییک و رهبران عشایر عراقی نسبت به اعمال خشونت و تهاجم علیه ساکنان شهر اشرف برای آگاهی عمومی جهانیان، از اهمیت قابل توجه ای برخوردار است. در زیر به گوشه ای از این موضعگیریها پرداخته می‌شود.

* شماری از شخصیت‌های پارلمانی مقیم قاهره متشکل از عضو مجلس شورا و رئیس "حزب الجیل"، دبیرکل "حزب سوسیالیست عربی مصر"، دبیرکل "اتحادیه وکلای عرب"، رییس "کانون وکلای ناصری"، مشاور و کارشناس حقوق بین المللی، دکتر محمد سعید عبد الظاهر، استاد علوم سیاسی و کارشناس امنیت استراتژیکی و افراد و نهادهای دیگر دولتی و غیر دولتی تعرض نیروهای عراقی به اشرف را محکوم کردند. این شخصیت‌ها اعلام کردند که ایجاد این مشکلات از سوی نیروی عراقی نیست و فقط منافع رژیم حاکم بر ایران را تامین می‌کند. آنها اضافه کردند که این اقدامات از سوی موفق الربیعی، مشاور امنیت ملی عراق صورت می‌گیرد و واکنش‌های خشمگینانه ای را از سوی همه افراد برانگیخته و آن را اعمالی غیر مسئولانه و ضد بشری و نقض قوانین بین المللی و کنوانسیون ژنو و حقوق پناهندگان توصیف کردند. این شخصیت‌های مصری و عراقی از دبیر کل سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین الملل و سازمانهای مدافع حقوق بشر، احزاب و دولت‌ها خواستند که به مسئولیتشان عمل کرده و برای توقف این توطئه که چه بسا به یک فاجعه انسانی راه ببرد، دخالت کنند و آمران و عاملان این اعتراضها را به اتهام ارتکاب جنایت از پیش طراحی شده

گزارشی مختصر از بازتاب گسترده محاصره شهر اشرف

بقیه از صفحه ۱۱



صورت می گیرد. لازم و ضروری است که عشایر استان دیالی با ایستادن در کنار این زنان و مردان شجاع و همبستگی با آنها، طرحهای رژیم ایران را که موفق الییبی و گروهش اجرا می کنند به چالش کشند.

* روزنامه الزمان نیز در نامه سرگشاده ای به قلم دکتر خالد الطای، از نخست وزیر عراق خواست تا با تشکیل کمیته ای متشکل از اعضای پارلمان عراق از فراقسیونهای مختلف و با حضور نماینده صلیب سرخ و نظارت بین المللی و اتحادیه اروپایی، به حقیقت در رابطه با شهر اشرف دست پیدا کند. در این نامه، نوری المالکی پیرامون یورش به شهر اشرف و کتک زدن برخی و تهدید آنان مورد سوال قرار گرفته و چنین رفتارهایی خلاف ارزشها و فرهنگ عراق بشمار آمده است. در این نامه آمده است: "هر بار سیاستمداری عراقی به ایران سفر می کند، موضوع حضور مجاهدین در عراق مطرح می گردد و در پی آن تهدیدهای و یقه درانیها به نام عراق و حاکمیت عراق و دفاع از قانون اساسی عراق و غیره شروع می شود. از کی تا بحال اعضای مجاهدین خلق که بی سلاح و تحت کنترل سخت قرار دارند مشکل عراق شده اند؟"

* نماینده پارلمان عراق از "جبهه توافق" و مقامهای عراقی خواستار احترام به قوانین بین المللی در قبال ساکنان شهر اشرف شد.

* روزنامه الزمان در مقاله ای به قلم "جاسم مراد" به نام "با وقاحت شرایط و خواستههای خود را بر عراق تحمیل می کنند"، دروغپردازیهای موفق الییبی علیه ساکنان اشرف را محکوم کرد و از وی خواست تا به جای این کار، از منافع ملی عراق در برابر دخالتهای رژیم ولایت فقیه دفاع کند.

پزشکان عراقی به شهر اشرف، از تمام سندیکاها از جمله سندیکای پزشکان عراق، سندیکای داروخانه ها و ارگانهای مدافع حقوق بشر و در راس آنها وزارت حقوق بشر و سازمانهای مدافع حقوق بشر را برای یاری رساندن به ساکنان اشرف فرا خواند.

* ۸ حزب سیاسی و سازمان غیر دولتی، جلوگیری از ورود پزشکان به اشرف را محکوم کردند. "کمیته عراقی دفاع از اشرف"، "تجمع حقوقدانان مستقل عراق"، "کمیته دوستی کردهای عراقی با مردم ایران"، "جبهه گفتگوی ملی- فرات میانی"، "حزب صلح عراق"، "جنبش ملی کلدانیهای عراق"، "جنبش لیبرالیستی نجات عراق" و "انجمن روشنفکران و متخصصان عراقی" از جمله این احزاب و سازمانها هستند.

* تجمع حقوقدانان مستقل عراق" فشارهای وارده به ساکنان اشرف را مصداق جنایت جنگی دانست. این تجمع که دوازده هزار حقوقدان را نمایندگی می کند با صدور بیانیه ای اعلام کرد که دخالتهای رژیم ایران با اقدامهای سرکوبگرانه علیه ساکنان اشرف که بیش از یک ربع قرن است در عراق مستقر هستند را بیش از هر زمانی روشن می کند.

* دکتر "صالح مطلق"، رییس "جبهه گفتگوی ملی عراق" در گفتگویی با مرکز اطلاع رسانی لبنان اعلام کرد که به خاطر انساندوستی و به خاطر دفاع از اخلاق و ارزشهای عربی و عراقی اصیل می بایست از ساکنان اشرف دفاع شود. وی اظهارات موفق الییبی در رابطه با ساکنان شهر اشرف را اظهاراتی دانست که از پیش قیمت آن توسط ایران پرداخت شده است. او همچنین در آستانه کنفرانس سران عرب، با صدور بیانیه ای خواستار اتخاذ یک موضع متحد عربی برای رفع فشار بر ساکنان اشرف شده است.

* دکتر ظافر العانی، نماینده پارلمان عراق از "جبهه توافق" در نامه ای به دبیر کل ملل متحد خواستار شکسته شدن محاصره اشرف و احترام به حقوق قانونی ساکنان آن به عنوان پناهندگان مشمول کنوانسیونهای بین المللی شد.

* اسامه التجفی و کریم یعقوبی، دو تن از نمایندگان پارلمان عراق از "حزب فراکسیون عراق" و "حزب فضیلت" خواستار ادامه حضور اعضای سازمان مجاهدین خلق در عراق شدند. عدنان ذیاب الجبوری، نماینده پارلمان عراق از "جبهه توافق" نیز حضور مجاهدین در

عراق را قانونی دانست و اعلام کرد که حضور این سازمان هیچ تهدیدی برای امنیت کشور عراق ندارد.

* "کمیته عراقی دفاع از اشرف"، "حزب صلح عراق" و "جنبش لیبرالیستی عراق" خواهان شکسته شدن محاصره غیرانسانی و ظالمانه شهر اشرف شدند.

تلاش بی وقفه هواداران مقاومت در خارج از کشور با برپایی تحصن و راهپیمایی در آمریکا و اروپا و همچنین مخالفت شدید احزاب، سازمانهای مدافع حقوق بشر عراقی و بین المللی در هفته های اخیر باعث شد که ممانعت از ورود جراحان و پزشکان به شهر اشرف شکسته شود که عقب نشینی آشکار موفق الییبی در برابر اعتراضهای جهانی محسوب می شود.

گزارشهای بالا نشان میدهد که مساله تهاجم به شهر اشرف از سوی ولایت فقیه با توسل به عناصر وابسته در دولت عراق شکافی عمیق بین آنان و نیروهایی که خواستار استقلال کشور، خروج نیروهای اشغالگر از عراق و رهایی یافتن از دخالتهای رژیم ولایت فقیه هستند، ایجاد کرده است.

حمایت طارق هاشمی، معاون ریاست جمهوری، هوشیار زیباری، وزیر خارجه دولت عراق و همچنین بسیاری از رهبران احزاب که در دولت این کشور شرکت دارند و بدنبال آن مخالفت تعدادی از نمایندگان مجلس ملی عراق از احزاب مختلف با این اقدامهای، گواه این مساله است که شکافی عمیق در درون حاکمیت عراق بر سر این مساله ایجاد شده است.

این مهم به رسانه ها، احزاب و سازمانهای دولتی و غیردولتی که خواهان ریشه کن کردن مداخلات رژیم حاکم بر تهران هستند اجازه داده است تا بیش از پیش به افشای نفوذ و دخالتهای رژیم در عراق بپردازند. رژیم بحرانی را و بحران زی مبتنی بر ولایت فقیه با استفاده از ابزارهای قدیمی، مترصد است تا تنها نیروی مخالف در کنار مرزهایش را از سر راهش بردارد. اما، شهر اشرف به عنوان یک نماد مبارزه با بنیادگرایی در عراق، بیش از پیش در مقابل چشم جهانیان و مدافعان صلح و عدالت قد علم کرده است.

تلاش بی وقفه نیروهای عراقی مخالف دخالتهای رژیم حاکم بر ایران، به موازات تلاشهای بی وقفه هواداران جنبش مقاومت در خارج از کشور و به خصوص پایداری زنان و مردان ساکن شهر اشرف، با تداوم مبارزه طولانی و سخت خود، قادر است توازن قوا را علیه بنیادگرایی تغییر دهد و بحرانی که رژیم در راستای منافع شوم خود راه انداخته را به ضد خود آن تبدیل کند. بحرانی که رژیم در عراق به وجود آورده و پرنرگ تر شدن تضاد بین نیروهای وابسته به رژیم از یک طرف و نیروهای لایبک، دموکرات و مستقل عراقی و نمایندگان عشایر عراق از طرف دیگر، حمایت از "شهر اشرف" را به یک جدال استراتژیک در مبارزه با بنیادگرایی میدل ساخته است.

باشد که این بحران همچون آتشی سرکش و سوزنده، سراپای هستی رژیم ولایت فقیه را فرا گیرد.

رویدادهای هنری ماه

منصور امان

ادبیات

اعتراض سازمان جهانی قلم به انتشار اشعار رادووان کارادجیچ

سازمان جهانی نویسندگان، پن (قلم)، انتشار اشعار رادووان کارادجیچ، رهبر سابق صربهای بوسنی را که متهم به نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی است، محکوم کرد. "رادووان کارادجیچ" که اشعارش در اوایل ماه جاری میلادی در یک مجله ادبی چاپ اسلوواکی منتشر شده است، در ژوئیه سال ۲۰۰۸، پس از ۱۲ سال زندگی مخفی توسط سازمان اطلاعات صربستان دستگیر شد.



انجمن قلم جمهوری اسلوواکی که

زیر مجموعه سازمان جهانی قلم است در بیانیه‌ای، مجله ادبی "دوتیکی" را "از نقطه نظر اخلاقی" مورد نکوهش قرار داده است.

این انجمن در بیانیه رسمی خود همچنین اعلام کرده است که سردبیر این مجله را که خود عضو انجمن قلم اسلوواکی است، به دلیل انتشار این اشعار مجازات خواهد کرد. قرار است عضویت "بوریس برنڈزا"، سردبیر مجله "دوتیکی" در سازمان قلم به مدت یک سال لغو شود.

این در حالی است که آقای "برنڈزا" همچنان از انتشار این اشعار دفاع می‌کند. وی معتقد است که این اشعار "فوق العاده اند و انتشار ندادنشان اشتباه است."

آیا مارگرت اتوود پیشگویی می‌کند؟



"مارگرت اتوود"، نویسنده کانادایی استعداد خوبی برای انتخاب موضوع کتابهایش دارد. آخرین کتاب او با عنوان "بازپرداخت: وام و بخش تیره

دارایی" در ماه اکتبر، در کتابفروشیها با موفقیت زیادی رو به رو شد و چندی پیش نام او را در فهرست نهایی یک جایزه معتبر کانادایی قرار داد.

یکی از دلایل موفقیت آخرین کتاب "اتوود" همزمانی آن با همه‌گیر شدن مشکلات اقتصادی جهان بود. در حقیقت کتاب او در ماه اکتبر منتشر شد و کمتر از یک ماه بعد از آن، مرکز مالی بزرگ "وال استریت" زیر بار قرض به زانو درآمد و دچار ورشکستگی شد.

به نظر می‌رسد "اتوود" با شاخکهای حس‌اش که از همکاری با روزنامه‌ها و نوشتن ستونهای اجتماعی نشأت می‌گیرد، به این مسیر کشیده شده باشد.

"مارگرت اتوود" با نوشتن رمانی به نام "سرگذشت ندیمه"، در سال ۱۹۸۴ به موفقیت رسید. این رمان چگونگی کاهش جایگاه زن را از وقوع رفتارهای ضد زن طالبان در افغانستان، این کتاب جنبه پیشگویانه خود را به جهان نشان داد.

در رمان دیگرش، "اوریکس و کریک"، او از خطر ویرانی و انهدام سراسری زمین به دلیل گرمای زمین و وقوع بیماریهای همه‌گیر می‌گوید. این کتاب در سال ۲۰۰۳، کمی پیش از شیوع مرگبار سارس (سندرم تنفسی حاد و بحرانی) و آنفلوآنزای مرغی منتشر شد و بار دیگر حس جلو بودن او از رویدادها را به وجود آورد.

"اتوود" در کتاب آخرش "بازپرداخت: وام و بخش تیره دارایی" به مدیریت بدهی و قرض یا سرمایه‌گذاری نمی‌پردازد بلکه، این امر را مطرح می‌کند که چگونه این مسایل می‌توانند به عنوان مانعی در ساختار سالم جامعه وارد شوند.

او می‌گوید، احساس عدالت، توازن و انصاف جزو تفکیک‌ناپذیر و جدانشدنی در همه فرهنگها است و بحران مالی جهانی، عدالت را منقرض می‌کند. چیزی که در بحران مالی اتفاق می‌افتد این است که افراد اصول اخلاقی و مبنای ساختاری عدالت را بی‌اساس می‌دانند و کارهایی را انجام می‌دهند که در اصل ارزشی ندارد.

رمان جدید پاولو کویولو، جشنواره "کن" را نقد می‌کند

"پاولو کویولو"، نویسنده آثار پرفروش ادبی می‌گوید بزرگ‌ترین ارزشها زیر پای شهرت از بین رفته‌اند و او در رمان جدیدش در نظر داشته است تا جشنواره فیلم کن را برای توجه بی حد به شهرت آن نقد کند. "برنده تنها می‌ماند"، رمانی است که ماجرای آن گرد قتل‌های سریالی در

عالم ستاره‌ها و مدسازان شکل گرفته است.

نویسنده سرشناس برزیلی که در این رمان وارد دنیای فیلم‌سازان و ستاره‌ها شده می‌گوید: "این یک رمان جنایی نیست بلکه، تصویری صادقانه از آن چیزی است که ما اکنون هستیم." "کویولو" ۶۱ ساله که هر سال از میهمانان جشنواره سینمایی کن است، در این رمان درصدد برآمده تا روشن کند که "چرا بازدیدکنندگان کن این چنین رفتار می‌کنند. جماعتی از ثروتمندان جهان هر سال خواب و خوراکشان را از دست می‌دهند تا با حضور در این جمع، خود را به رخ دیگران بکشند و هر چه بیشتر در دنیای سرگرمی بدرخشند."



او می‌گوید که هر سال با دیدن این جماعت از خود سوال می‌کند که اینان این همه مصرف می‌کنند تا به چه چیزی دست یابند؟ اندیشه پاسخ گفتن به همین سوال بود که موجب نوشتن آخرین کتاب او شد.

کویولو می‌افزاید: "رسیدن به شهرت امروز به یک بیماری تبدیل شده و همه در تلاشند تا به شهرت دست یابند فقط برای این که مشهور باشند نه این که کار مهمی انجام داده باشند یا بخواهند چیزی را با دیگران قسمت کنند."

نمایشگاه دولتی کتاب بدون اتحادیه ناشران

مدیر "انتشارات روشنگران و مطالعات زنان" گفت، اتحادیه ناشران در نحوه برگزاری نمایشگاه کتاب هیچ جایگاهی ندارد و در هیچ یک از تصمیم‌گیریها دخالت داده نمی‌شود. شهلا لاهیجی با انتقاد از چگونگی برگزاری نمایشگاه کتاب گفت: "متأسفانه در برگزاری نمایشگاه کتاب، جایگاه اتحادیه ناشران به عنوان یک نهاد تخصصی رسمی از سوی مسئولان وزارت ارشاد نادیده گرفته می‌شود و تصمیمات خودسرانه و بدون نظرخواهی و مشورت با اعضای این اتحادیه اتخاذ می‌شود."

وی ادامه داد: "این امر خلاف سیاستهای اعلام شده درباره واگذار کردن کار مردم به مردم است و با توجه به اینکه در نمایشگاه کتاب، ناشران کتاب مهم ترین نقش را در ارایه کتاب دارند، نادیده گرفتن اتحادیه ناشران از سوی مسئولان مساله عجیبی است." لاهیجی با اشاره به اینکه حضور کمی و کیفی ناشران خارجی در نمایشگاه

کاهش چشمگیری داشته است گفت: "هدف ناشران خارجی از شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی مبادله حقوق نشر کتابهای خود با دیگر ناشران است. بر این اساس، نمایشگاه‌های کتاب در دنیا محل مذاکره و معرفی کتابها است و در این جهت باید بستری فراهم کرد تا ناشران خارجی در محیطی مناسب با ناشران داخلی تعامل و مذاکره داشته باشند."

وی ادامه داد: "به عنوان مثال در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، ۲۲۰۰ برنامه جنبی تنها در سه روز گذشته برگزار شد تا طی آن ناشران بین‌المللی با یکدیگر تعامل داشته باشند. اما متأسفانه نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به بازار مکاره کتاب شبیه است چرا که هدف اصلی در آن فروش کتاب است و عرضه فرهنگی و نمایش دادن در اولویت بعدی قرار دارد."

رمان جدید خالد حسینی در باره زنان افغان

"هزار خورشید درخشان" با عنوان انگلیسی A thousand splendid suns دومین رمان "خالد حسینی"، نویسنده ۴۲ ساله و پزشک افغانی مقیم آمریکا است؛ نویسنده‌ای که با "بادبادک‌باز" به طرز شگفت‌آوری یک شبه ره صد ساله پیمود و هم‌اکنون در سراسر جهان خوانندگان بی‌شماری دارد. نام رمان جدید "خالد حسینی" برگرفته از شعری از صائب تبریزی است که در افغانستان و پاکستان شاعری شناخته‌شده و محبوب است. او در سفری که به کابل داشته، قصیده‌ای در مدح این شهر گفته که با این بیت شروع می‌شود:



خوشا عشرت‌سرای کابل و دامان کسپارش/ که ناخن بر دل گل می‌زند مژگان هر خارش
رمان "هزار خورشید درخشان" داستان دو زن به نام مریم و لیلا است که نویسنده از دوران زندگی آنها، حوادث و رخداد‌های سیاسی افغانستان را مرور می‌کند و "حکایت افغانستان" را در یک بازه‌ی زمانی ۴۵ ساله، از زمان کودتای سال ۱۹۷۳ علیه ظاهرشاه تا افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر به قلم می‌آورد.

در "هزار خورشید درخشان" بارها نام شخصیت‌های سیاسی، جنگ‌سالاران و افراد تاثیرگذار در افغانستان معاصر را می‌خوانیم. رمان جدید "خالد حسینی"، بیش از آن که به افغانستان از دیدگاه سیاسی و کشمکش قدرت داخلی و خارجی بنگرد، روایت‌گر زندگی زن افغان است و به قول منتقد بقیه در صفحه ۱۴

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۳

روزنامه نیورکتایمز، اگر کتاب بادبادک‌باز را داستان پدرها و پسرها بدانیم، رمان هزار خورشید درخشان را باید راوی زندگی مادران و دخترها دانست.

در این رمان، "خالد حسینی"، ریشه‌ی عمده‌ی سیه روزی مردمان افغانستان را در ناپسامانی سیاسی جستجو می‌کند. او ضمن نشان دادن چهره غیرانسانی طالبان، نوک پیکان انتقاداتش را به سوی مجاهدین افغان و جنگهای ویرانگر داخلی آنها می‌گیرد و نقش جنگ سالاران در به قدرت گرفتن طالبان را توضیح می‌دهد.

سینما

دوستان محمود درویش از او می‌گویند

در یک فیلم مستند که "نصار حجاج"، کارگردان فلسطینی ساخت آن را شروع کرده، چهره‌های جهانی شعر و ادب و سیاست چون "ساراماگو"، "وول سونیکا" و "دومینیک دوویلین" درباره شاعر فقید فلسطینی می‌گویند.



در این فیلم "حجاج" سرخا و دوستان عرب "محمود درویش" می‌رود و با آنها درباره اشعار او و دوستی‌شان به گفت و گو می‌نشیند و از آنها می‌خواهد اشعار شاعر درگذشته را به زبانهای مختلف از جمله عربی، انگلیسی، فرانسوی و کردی بخوانند.

"حجاج" فیلم خود را از سرزمین فلسطین به ویژه زادگاه "درویش" و مناطقی که او در آنجا زندگی کرد، آغاز می‌کند و سپس به فرانسه می‌رود و بخشهایی از فیلم را در جایی که او اقامت داشت می‌گیرد. در فرانسه همچنین سرخا "دومینیک دوویلین"، نخست وزیر سابق فرانسه که علاوه بر سیاست پیشگی، شاعر نیز هست و از دوستان نزدیک "محمود درویش" بود می‌رود و درباره این شاعر فقید فلسطینی با او به گفت و گو می‌پردازد. "دوویلین" تعدادی از اشعار "درویش" را به زبان فرانسوی می‌خواند.

"حجاج" در اسپانیا به شهر "سن سباستین"، جایی که "مایکل بالمر"، شاعر آمریکایی ساکن است می‌رود. "بالمر" نیز اشعاری از "درویش" را

می‌خواند و درباره این که چگونه با او آشنا شد سخن می‌گوید.

در فیلم "حجاج"، همچنین "احمد دحبور"، شاعر فلسطینی که در عمان به سر می‌برد، "شیرکو بیگس"، شاعر کرد که در سلیمانیه زندگی می‌کند، "وول سونیکا"، شاعر مشهور نیجریایی، "خوزه ساراماگو"، نویسنده مشهور پرتغالی و دو دوست نزدیک "درویش" یعنی، "جومانا حداد"، شاعر زن لبنانی و "لورکا سبیتی"، نویسنده لبنانی نیز درباره او سخن می‌گویند.

این فیلم همچنین حدود ۵۰ دقیقه از صدای "محمود درویش" در حال خواندن اشعارش را در بر می‌گیرد.

اثر مشهور هرمان هسه فیلم می‌شود



"نارسیس و زربین دهان"، اثر مشهور "هرمان هسه"، نویسنده بزرگ و سرشناس آلمانی -

سوئیس و برنده جایزه نوبل ادبی ۱۹۳۲، به وسیله یک کارگردان آلمانی در قالب فیلم سینمایی ساخته می‌شود.

خبر ساخت این فیلم را "فلوریان گالبرگر"، کارگردان آن در همین هفته و در مراسم معرفی آخرین فیلمش با عنوان "جان رابه" اعلام کرد. او گفت، نوشتن فیلمنامه‌ی اقتباسی از این اثر که در سال ۱۹۳۰ نوشته شده، هنوز مراحل مقدماتی خود را سپری می‌کند.

"هرمان هسه" از آن دسته از نویسندگان جهان است که آثار ادبی متفاوتی از خود به جای گذاشته، "گرگ بیابان"، "گرترو"، "سیدارتا" و "بازی با تیله‌های شیشه‌ای" از آن جمله‌اند.

با این حال، با "نارسیس و زربین دهان" است که دوره دیگری از خلاقیت "هسه" آغاز می‌شود. نگرش نویسنده در این مقطع به داده‌های تاریخی معطوف شده و تشابه ملموسی از واقعیتها را به خواننده تلقین می‌کند.

تقدیر جشنواره سان

فرانسیسکو از رابرت ردفورد پنجاه و دومین دوره جشنواره بین المللی فیلم سان فرانسیسکو ضمن تجلیل از "رابرت ردفورد"، با نمایش فیلم "ماموریت" به کارگردانی "پیتر برات" آغاز به کار می‌کند.



این رویداد سینمایی از ۲۳ آوریل تا هفت مه (دو هفته اول اردیبهشت) در ایالات متحده، پذیرای آثار منتخب خواهد بود. بنا بر اعلام پایگاه اطلاع رسانی جشنواره فیلم سان فرانسیسکو، "ماموریت" با شرکت بازیگرانی چون "بنجامین برات" و "اریکا الکساندر"، به زندگی یک خانواده در شهری مکزیک - آمریکایی می‌پردازد. "پیتر برات" که در سال ۱۹۹۶ میلادی نیز با نخستین فیلمش "مرا تا خانه دنبال کن" در این جشنواره حضور داشت، تاکنون ساخت ۳ فیلم را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است.

بزرگداشت "رابرت ردفورد" و حضور "فرانسیس فورد کوپولا" از مهمترین رویدادهای جشنواره فیلم سان فرانسیسکو ۲۰۰۹ است.

تلویزیون

بازداشت مدیر یک تلویزیون خصوصی در کابل به اتهام

"توهین به علما" دادستانی کل افغانستان، "فهیم کوهدامنی"، مدیرمسئول شبکه تلویزیون خصوصی "امروز" را به اتهام پخش "برنامه‌های ضد اسلامی و فرهنگ افغانی" بازداشت کرده است.

به گفته مقامهای دادستانی کل افغانستان، این بازداشت پس از شکایت کمیون رسیدگی به تخطی رسانه‌های وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان و اجرای "تحقیقات لازم" صادر شده است.

دادستانی کل افغانستان می‌گوید، اتهاماتی که علیه "فهیم کوهدامنی"، مدیرمسئول "تلویزیون امروز" مطرح است، پخش برنامه‌های ضد اسلامی و ضد فرهنگ افغان است.

"فضل احمد فقیریار"، معاون دادستانی کل افغانستان می‌گوید در مورد نشر این گونه برنامه‌ها در گذشته به مسئولان "تلویزیون امروز" هشدار داده شده بود.

کمیون رسیدگی به تخلف رسانه‌های افغانستان مدعی است که "تلویزیون امروز" به نشر موسیقی و آهنگهای مخالف فرهنگ افغان می‌پردازد و در برخی حالات هم به علمای دینی توهین روا داشته که این

موارد می‌تواند نقض قانون رسانه‌ها به حساب آید.

این تلویزیون همچنین به پخش برنامه‌های تفریحی و موسیقی شاد در مراسم عاشورا متهم شده است.

مخالفت با سانسور زنان موجب بازداشت یک مدیر تلویزیون در افغانستان شد

مدیر یکی از شبکه‌های تلویزیونی افغانستان به دلیل خودداری از حذف صحنه‌ای که در آن یک زن بدون حجاب دیده می‌شد، دستگیر و بازداشت شد.

دولت افغانستان پیش از این نیز نسبت به پخش برخی از تصاویر از تلویزیون این کشور هشدار داده و برخی از مدیران شبکه‌های افغانی را هم به دادگاه فراخوانده و مورد بازخواست قرار داده بود.

با این حال، این برای نخستین بار است که فردی به دلیل مخالفت با حذف صحنه‌ای که یک زن را با حجاب مرسوم افغان نشان نمی‌دهد، بازداشت می‌شود و به زندان می‌افتد.

فرد بازداشت شده که ریاست شبکه‌ی "امروز تی وی" را عهده‌دار است، "فهیم خودامانی" نام دارد. او به دلیل مخالفت با حذف صحنه‌ای که در آن زنی را با حجاب کامل اسلامی نشان نمی‌داد، هفته‌ی گذشته دستگیر شد.

گفت‌وگو بر سر محتوای برنامه‌های تلویزیونی از سال ۲۰۰۱ و با رفتن طالبان در افغانستان شدت گرفته‌است. طالبان حتی تماشای تلویزیون را در این کشور ممنوع کرده بودند اما با تغییر دولت این کشور، زنان اجازه حضور در برنامه‌های تلویزیونی را یافتند و با لباسهایی که تمام بدنشان را می‌پوشاند و تنها صورتشان مشخص است، بر صفحه‌ی تلویزیون ظاهر می‌شدند. در حال حاضر نیز در تلویزیون افغانستان برنامه‌های خارجی که در آن زنان به طور کامل پوشیده نیستند، سانسور می‌شوند و مدیران این شبکه‌ها تنها مجاز به پخش برنامه‌هایی هستند که در آن تنها صورت زنان به نمایش گذاشته شود.

ساخت سریالی با موضوع چریکهای فدایی خلق

یک بازیگر تلویزیونی از تصمیم صدا و سیما در باره ساخت سریالی در مورد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خبر داد.

اشکان خطیبی، هنرپیشه مجموعه "گل‌های گرمسیری"، نام این سریال را "فریدون جیرانی" معرفی کرد و توضیح داد: "این سریال ۲۰ قسمتی با موضوع چریکهای فداییان خلق ساخته می‌شود و حوادث آن در سال ۵۲ می‌گذرد."

جمهوری اسلامی در واکنش به گرایش افزایش یابنده نسل جوان و به ویژه دانشجویان به اندیشه و تاریخچه پیشگامان چپ، به تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای برای بقیه در صفحه ۱۵

کنفرانس افغانستان در مسکو و

لايه فرصتی برای رژیم به وجود

نیاورد

جعفر پویه

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی در بحران اقتصادی دست و پا می زند و امواج گرانی و تعطیلی کارخانه ها و بیکاری کارگران یکی پس از دیگری از راه می رسند و اقتصاد کشور در آستانه فروپاشی کامل قرار دارد. تلاش پاپوران آن برای برون رفت از بحران رو بتزاید به جایی نمی رسد و همه راههای پیش بینی شده به بن بست ختم می شود. در روزهای گذشته شرکت نماینده رژیم در کنفرانس افغانستان در لاهه و ملاقات آنها با نماینده آمریکا تیتیر یک مطبوعات جهانی تبدیل شد. اما از آنجا که رژیم ولایت فقیه همواره به دنبال سیاست با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن است. به

تکذیب این ملاقات پرداخت و آنرا انکار کرد. معلوم نیست که آخوند زاده معاون وزارت امورخاچه و نماینده رژیم در کنفرانس لاهه چرا با ریچارد هولبروک خوش و بش می کند و پس از بیرون آمدن از کنفرانس آنرا تکذیب می کند؟ خانم هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا که در اجلاس هلند حضور داشت به خبرنگاران گفته بود: "مهدی آخوند زاده و ریچارد هولبروک در حاشیه نشست افغانستان در دیدار کوتاهی ضمن رد و بدل کردن تعارفات دیپلماتیک ابراز امیدواری کرده اند که این تماسها در آینده ادامه یابد."

خانم کلینتون همچنین گفت: "از طریق نمایندگان ایران نامه ای برای مقامات ایرانی ارسال داشته است که طی آن درخواست شده نسبت به دادن امکان خروج از ایران به سه تبعه آمریکا اقدام نمایند." این سه تن عبارتند از "رکسانا صابری"، "روبرت لویسون" و "عشا مومنی".

از تهران خبرگزاری حکومتی مهر نیز گزارش می دهد که حسن قشقاوی سخنگوی وزارت امورخارجه رژیم ملاحظه

در یک مصاحبه اختصاصی نه تنها هرگونه ملاقات بین آخوند زاده و هولبروک را به صراحت تکذیب کرده، بلکه گفته است تحویل نامه از طرف آمریکایی ها به هیأت ایرانی هم صحت ندارد. قشقاوی در این مصاحبه همچنین گفته است: "هیچ گونه دیدار و گفتگویی اعم از رسمی، غیر رسمی، تشریفاتی و غیر تشریفاتی میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در حاشیه این اجلاس صورت نگرفته و خبر منتشر شده در این رابطه تکذیب می شود."

این درحالی است که رسانه های غربی هفته پیش گزارش داده بودند که در حاشیه کنفرانس افغانستان در مسکو نیز میان هیأت های رژیم و آمریکا دیدار صورت گرفته است که توسط رژیم تکذیب شد.

در ادامه در روز چهارشنبه باراک اوباما و دیمتری مدوف رئیس جمهور روسیه در آستانه اجلاس گروه ۲۰ در لندن با هم دیدار کردند و با صدور بیانیه مشترکی از رژیم جمهوری اسلامی خواستند که با سازمان ملل همکاری کند و جامعه جهانی را متقاعد نماید که فعالیت های اتمی اش کاملن صلح آمیز است. اوباما و هیأت همراهش از موضع روسیه در قبال رژیم تهران که به نظر آنها پیشرفت کوچکی است استقبال کردند. به نظر می رسد انتشار بیانیه تازه روسیه و آمریکا و تصمیم جامعه جهانی برای برخورد جدی تر با پرونده اتمی رژیم باعث سردرگمی در اعلام موضع توسط مقامات رژیم شده است. با این حساب می شود اینگونه گفت که کنفرانس افغانستان در مسکو و لاهه فرصتی دندانگیر برای رژیم بوجود نیاورده است و امید پاپوران آن برای برون رفت از بحران موجود را کم رنگتر کرده است.

۱۳ فروردین

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۴

ارایه تصویری گمراه کننده از سازمان چریکهای فدایی خلق دست زده است. آخرین بار، وزارت اطلاعات حکومت ایران، اسناد متناقض یا ساختگی را به اسم ساواک (دستگاه امنیتی رژیم شاه) علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران زیر تیتیر چریکهای فدایی خلق منتشر ساخت.

موسیقی

ارکستر "یوتیوب" برای اولین بار اجرا کرد

ارکستر سمفونی سایت اینترنتی "یوتیوب" که اعضای آن حدود یک ماه و نیم پیش معرفی شده بودند، برای نخستین بار در نیویورک کنسرتی را برگزار کردند.

این ارکستر که اعضای آن توسط بازدیدکنندگان این سایت اینترنتی و از طریق یک نظر سنجی برگزیده شده بودند، نخستین کنسرت خود را به رهبری "مایکل تیلسون توماس"، مدیر ارکستر سمفونی سان فرانسیسکو در "کارنگی هال" نیویورک اجرا کرد.



برنامه این کنسرت شامل آثاری از آهنگسازان مختلف از جمله "موتزارت"، "ویلا لوبوس"، "واگنر"، "چایکوفسکی"، "جان کیج" و "تان دان" (برنده اسکار و آهنگساز فیلمهای "بیر خیران" و "ازدهای پنهان") بود.

اثری که از "تان دان"، آهنگساز چینی اجرا شد، یک سمفونی اینترنتی بود که او آن را برای سایت "یوتیوب" تصنیف کرده است. روند انتخاب اعضای ارکستر "یوتیوب" به این ترتیب بود که بیش از سه هزار نوازنده از ۷۰ کشور مختلف، ویدیویی از خود را برای حضور در این رقابت به "یوتیوب" فرستادند. اعضای چند ارکستر فیلارمونیک معتبر دنیا از جمله لندن، هنگ گنگ، سان فرانسیسکو و نیویورک از این تعداد، ۲۰۰ ویدیو را انتخاب کردند.

ویدیوهای راه یافتگان به مرحله نهایی روز ۱۴ فوریه بر روی "یوتیوب" منتشر شد و بازدیدکنندگان این وب سایت از میان آنها بیش از ۹۰ نوازنده حرفه ای و آماتور از ۳۰ کشور مختلف را برگزیدند.

این ویدیوها در مجموع ۱۳ میلیون بازدیدکننده داشته است.

نخستین اجرای "دانیل بارنویم" در مصر "دانیل بارنویم"، هنرمند برجسته اسرائیلی که رهبری ارکستر "غربی شرقی" را بر عهده دارد، برای نخستین بار در قاهره، پایتخت مصر به روی صحنه خواهد رفت. او در این برنامه که در روز پنجشنبه ۱۶ آوریل (۲۷ فروردین ماه) برگزار می شود، ارکستر سمفونی قاهره را رهبری خواهد کرد.

در این اجرا، سمفونی پنجم بتهوون نیز نواخته خواهد شد. به گفته "بارنویم"، این برنامه که با پشتیبانی اتریش و اسپانیا برگزار می شود، تلاشی است در راه برقراری و پیشبرد گفتگو در خاورمیانه.

این هنرمند که در کنار رهبری ارکستر "غربی شرقی"، مدیریت اپرای دولتی برلین را نیز بر عهده دارد، همچنین به جلوگیری مقامهای اسرائیلی از برگزاری فستیوال فرهنگی فلسطینیان در اورشلیم اعتراض کرده است. به گفته "بارنویم"، بازداشت ۲۰ تن از دست اندکاران این فستیوال نشانه‌ی ترسی است که مقامهای اسرائیلی از ابراز بیان فرهنگی فلسطینیان دارند.

"بارنویم" که در آرژانتین به دنیا آمده و در کنار تابعیت اسرائیلی، گذرنامه فلسطینی نیز دارد، همچنین معتقد است که دولت اسرائیل با این کار نشان داده که "دشمن فرهنگ" است. او تاکید کرد: "گفت‌وگوی فرهنگی همیشه ممکن است؛ ارکستر غربی شرقی که از نوازندگان جوان عرب و اسرائیلی تشکیل شده، شاهدهی است بر این مدعا."

طنز

اندر وصف سبب زمینیهای انتخاباتی و بلاگ زری اصفهانی

گونی گونی سبب زمینی می رسد
مهرورزی های دینی می رسد

هدیه های رهبر مستضعفین
هم هوایی هم زمینی می رسد

انتخابات است و فصل بخشش است
تحفه های این چینی می رسد

غم نخور گر بازهم زین انتخاب
آنچه کردی پیش بینی می رسد

رای تو از بهر هر کس بود باز
آنکه را خواهی نبینی می رسد

لیک شاید دردل صندوق رای
بوته های سبب زمینی می رسد

گونی گونی سبب زمینی می رسد
مهرورزیهای دینی می رسد

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

زنان عراقی از مهمترین نگرانیها و چالشهای خود

سخن می گویند

"اوکسفام اینترنشنال" نتیجه تحقیقات خود پیرامون وضعیت زنان عراقی در سال ۲۰۰۸ را تحت عنوان "زنان عراقی از مهمترین نگرانیها و چالشهای خود سخن می گویند" انتشار داد. این تحقیقات که محصول گفتگو با هزار و هفتصد زن عراقی در مناطق بغداد، بصره، کرکوک، نجف و نینوا است، دربرگیرنده آمار نگران کننده ای است که مهمترین آنها عبارتند از:

نزدیک به ۶۰ درصد زنان عراقی ابراز می دارند که نبود امنیت اجتماعی، اولین نگرانی آنان به شمار می رود. بیش از ۴۰ درصد از زنانی که در این تحقیقات مورد پرسش قرار گرفته اند، می گویند که شرایط امنیتی در مقایسه با سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بدتر شده و نزدیک به ۲۲ درصد آنان ابراز می دارند که وضعیت نسبت به آن سالها بهبود نیافته است.

۵۵ درصد این زنان، قربانی خشونت از سال ۲۰۰۳، ۲۲ درصد قربانی خشونت خانگی و بیش از ۳۳ درصد یکی از اعضای خانواده خود را در نزاعهای خشونت بار از دست داده اند.

۴۵ درصد می گویند درآمد آنان در سال ۲۰۰۸ در مقایسه با دو سال قبل از آن بدتر بوده و ۳۰ درصد می گویند که درآمد آنان بهبود نیافته است.

۳۳ درصد آشکار ساختند که هیچگونه کمک انساندوستانه ای دریافت نکرده اند.

۷۶ درصد زنانی که همسران خود را از دست داده اند، هیچ بازنشستگی از دولت دریافت نمی کنند.

نزدیک به ۲۵ درصد زنان، روزانه به آب آشامیدنی دسترسی ندارند و نیمی از آنان که به آب دسترسی دارند می گویند که آب قابل آشامیدن نیست. ۶۹ درصد ابراز می دارند که شرایط دسترسی به آب آشامیدنی سالم بدتر و یا در شرایطی برابر با سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ است.

یک سوم این زنان عراقی روزانه ۳ ساعت و یا کمتر، دو سوم فقط ۶ ساعت و یا کمتر بطور روزمره دسترسی به برق دارند، ۸۰ درصد می گویند که دسترسی به برق در سال ۲۰۰۸ مشکل تر و یا در شرایطی برابر با سال ۲۰۰۷ است.

نیمی از این زنان ابراز داشته اند که دسترسی به بهداشت مناسب در سال ۲۰۰۸ مشکل تر و یا در شرایطی

برابر در مقایسه با دو سال پیش از آن بوده است.

۴۰ درصد این زنان خبر داده اند که فرزندانشان به مراکز آموزشی دسترسی ندارند.

۵۲ درصد از بیکاری رنج می برند که از این میزان، ۱۷ درصد اعلام کرده اند که به آنان اجازه کار بیرون از خانه داده نمی شود.

۵۵ درصد از این زنان به دلیل خشونت مجبور به ترک محل زندگی خود شده اند.

انتقاد شدید مدافعان حقوق بشر از تبعیض علیه زنان در عربستان سعودی

بنا به گزارش خبرگزاری "مورنینگ استار"، ۲۳ مارس، یک گروه مدافع حقوق بشر با انتشار گزارشی، سیستم امنیتی، پلیسی و قضایی پادشاهی عربستان سعودی را به شدت مورد سرزنش و انتقاد قرار داد. این گزارش خواستار تغییر قوانین تبعیض آمیز به ویژه در رابطه با امور زنان شد. گزارش یاد شده همچنین خواهان پایان یافتن ازدواج دختران زیر سن قانونی، رفرم قضایی و آموزش مجدد قضات دادگاه شد. پیرامون همین قضات دادگاه در ماه جاری دختری هشت ساله توسط قاضی سعودی به عقد مردی هفتاد و چهار ساله درآمد که البته دادگاه بعد از اعتراضات فراوان جهانی، ازدواج این دو را به شرطی که مرد تا زمان بلوغ کودک هشت ساله با او رابطه جنسی نداشته باشد، رسمی اعلام کرد. از سوی دیگر، "عبدالعزیز الشیخ"، مفتی عربستان سعودی در گفتگویی با روزنامه "الحیات" گفت که ازدواج دختران زیر ده سال سن از لحاظ شرعی جایز است و هیچ مانعی برای آن وجود ندارد.

افزوده بر این، گزارش مزبور اضافه می کند، افرادی که توسط پلیس دستگیر می شوند، زیر شکنجه و آزار و اذیت مجبور به اقرار به جرایمی می شوند که مرتکب نشده اند و در بسیاری موارد برخی از بازداشت شدگان تحت حفاظت ماموران دولتی، اقدام به خودکشی کرده و جان خود را از دست می دهند.

زنان هم مدیر، هم قربانی

خبرگزاری "مانیلا استاندارد"، ۲۲ مارس، به افزایش شمار مدیران زن در پستهای مختلف شغلی از یکسو و افزایش اعمال خشونت علیه آنان در خانه از سوی دیگر می پردازد. زنان بیش از ۴۷ درصد پستهای ارشد مدیریتی را در کشور فیلیپین به خود اختصاص داده اند. این مساله با توجه به حد متوسط جهانی آن که برابر با توجه ۲۳ درصد است، زنان فیلیپین را نسبت به زنان در کشورهای دیگر در

مقام بالاتری قرار داده است. داده های موسسه نیروی کار این کشور نشان می دهد که شمار زنان نسبت به مردان در پستهای مدیریتی در سال ۲۰۰۲ به ترتیب، یک میلیون و هشتاد و شش هزار، و یک میلیون و چهار هزار نفر می باشد. تعداد زنان در پستهای مدیریتی در سال ۲۰۰۶ به دو میلیون و دویست و پنجاه و هفت هزار در مقابل یک میلیون و شصت و نه هزار مرد، افزایش داشته است. در سال ۲۰۰۷ این میزان به دو میلیون و دویست و هشتاد و یک هزار زن در برابر یک میلیون و ششصد و هفتاد و هفت مدیر مرد ارتقا پیدا کرد.

با توجه به آمار مزبور این گمان به وجود می آید که زنان فیلیپینی سقف شیشه ای تبعیض جنسیتی را شکسته اند. اما گزارشها در مورد خشونت خانگی حتی در رابطه با اکثریت زنانی که در پستهای مدیریتی مشغول به کار هستند نشان می دهد که چنین تحولی صورت نگرفته است. موردهای گزارش شده پیرامون خشونت خانگی، از هزار مورد در سال ۱۹۹۶ به ۶ هزار و پانصد و پنج مورد در سال ۲۰۰۵ رشدی فزاینده داشته است. نگرش جنسیتی در فرهنگ حاکم بر جامعه اجازه نداده است که از زن تعریفی انسانی با حقوقی برابر با مرد، به ویژه در مناسبات خانوادگی ارایه شود.

عقب گرد دولت انگلیس در برچیدن شکاف دستمزد بر اساس جنسیت

روزنامه گاردین، ۱۹ مارس، در مقاله ای عنوان می کند که با وجود وعده های دولت انگلیس مبنی بر رفع تبعیض جنسیتی در امر پرداخت دستمزد میان زنان و مردان، این مساله به دلیل بحرانهای مالی در حال افزایش است.

شمار زنانی که به صورت نیمه وقت مشغول به کار هستند، افزایش یافته و اکنون آنها به طور متوسط سی و شش و پنج دهم درصد کمتر از همکاران مرد خود مزد دریافت می کنند. زنان در انگلیس به طور متوسط ۱۷ درصد کمتر از دستمزدی که به مردان اعطا می شوند، حقوق می گیرند که این اختلاف نیز در حال افزایش است.

تصویب قانونی در راستای رسیدگی به امور قربانیان خشونت خانگی در چین

ماه سپتامبر سال گذشته قانونی در کشور چین به تصویب رسید که پلیس را موظف می کند تا از زنان قربانی خشونت خانگی حمایت کند. این قانون اکنون بر اساس گزارش "خبرگزاری حقوق برابر برای زن"، ۹

مارس، در بسیاری از ایالتهای چین در حال اجرایی شدن است. فدراسیون زنان چین اعلام کرده است که در بسیاری از ایالتهای کشور مراکز دایر گردیده که زنان قربانی و همچنین کارگران زن مهاجر قادرند جهت دریافت حمایت قانونی با این مراکز تماس تلفنی برقرار کرده و از کمک آنها برخوردار گردند. ماموران رسمی سالانه ۵۰ هزار شکایت پیرامون خشونت خانگی در کشور چین دریافت می کنند.

گشایش مدرسه فمینیستی در کشوری که دست کم یک زن از هر پنج زن مورد خشونت فیزیکی قرار می گیرد

یک تشکل مدافع حقوق بشر از گشایش دانشگاهی غیر آکادمیک جهت آموزش حقوق بشر، ارزشهای انسانی، برابری و ضد تبعیض به دختران و پسران جوان در کشور تونس، خبر داد.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، ۷ مارس، "سانا بن عاجور"، مدیر "موسسه زنان دموکرات" می گوید این دانشگاه مکانی است برای دخالت کردن در امور زنان. این دانشگاه که نام فمینیست معروف تونس "مارزوکی" را بر خود داد، دختران و پسران جوان را در رشته های حقوق، اقتصاد، رسانه و حقوق بشر آموزش می دهد.

جنايتكاران در صدد اجرای اعدام دختري ديگر

خبرگزاریهای جهان از صدور حکم اعدام دل آرا دارابی خبر دادند. دل آرا دارابی، دختر جوانی است که در سن هفده سالگی به اتهام قتل یکی از بستگان پدرش دستگیر شده است. او بعدها عنوان کرد که عامل اصلی جنایت، دوست پسر وی بوده است. پرونده دل آرا دارابی برای اجرای حکم اعدام به دادرسی رشت رفته است و این دادگاه نیز حکم وی را تایید کرده و اکنون تنها خانواده مقتول می توانند تصمیم بگیرند که حاضر به گرفتن "دیه" و بخشش متهم هستند و یا خیر. عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دل آرا معتقد است که موکلش قتلی انجام نداده است زیرا همه ضربه های وارده به مقتول از سمت راست بوده در حالیکه دل آرا چپ دست است.

بر اساس آمار سازمان عفو بین الملل، ایران از ۱۹ سال پیش تا کنون دست کم چهل و دو نوجوان را اعدام کرده است. هشت تن از این عده در سال گذشته اعدام شده اند. ایران تنها کشوری بوده که در دو سال اخیر دست به اعدام نوجوانان زده است.

"من از مرگ هراسی ندارم"

جمله بالا گفته "سیتار آشاکزای"، معروفترین مدافع و سیاستمدار زن کشور افغانستان است که به گزارش خبرگزاری ایندپیندنت، ۱۲ آوریل، در برابر درب محل بقیه در صفحه ۱۷

رجز خوانی احمدی نژاد برای

جامعه جهانی

جعفر پویه

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور برکشیده ولی فقیه رژیم روز گذشته در یک سخنرانی در کرمان رو به جامعه جهانی گفت: "بسته جدید را طراحی می کنیم و آماده خواهد شد تا به دنیا ارایه دهیم." این حرفها در حالی زده می شود که در روزهای گذشته موضوع بحران اتمی رژیم در خبرگزاریها انعکاسی گسترده داشت و گمانه زنیهای بسیاری پیرامون آن شد. سیاست دولت اوپاما و دعوت گروه ۵+۱ از رژیم برای بازگشت به پشت میز مذاکره از یک طرف و انتشار گزارشی در روزنامه نیویورک تایمز مبنی بر اینکه دولت آمریکا در برابر رژیم جمهوری اسلامی تغییر سیاست خواهد داد، از طرف دیگر نظریات بسیاری را به خود جلب کرد. هرچند دولت آمریکا گزارش نیویورک تایمز و آسوشیتدپرس را نادرست خواند اما این بخش گزارش که "واشنگتن در حال بررسی این گزینه است که در مورد تهران غنی سازی اورانیوم به میزان کم را تحمل کند" موجب تعجب شد.

از جانب دیگر، نمایندگان آمریکا، چین، روسیه، بریتانیا، فرانسه همراه با آلمان، کشورهای موسوم به گروه ۵+۱ در بیانیه چهارشنبه هفته قبل به رژیم پیشنهاد کردند تا از فرصت پیش آمده برای تفاهم با گروه ۵+۱ استفاده کند. این اقدام گروه ۵+۱ نیز در راستای حمایت از رویکرد جدید آمریکا در قبال رژیم ارزیابی شده است. اما رژیم جمهوری اسلامی که نمی خواهد از برنامه ساخت بمب اتمی دست بردارد و تا کنون در برابر سیاستهای مامشات جویانه جامعه جهانی دست پیش را گرفته است، این موقعیت را به گونه ای دیگر تفسیر می کند و به باج خواهی می پردازد. محمود احمدی نژاد نه تنها در برابر بسته پیشنهادی غرب در ازای توقف غنی سازی، بسته رژیم خود را ارایه می دهد بلکه، با زبانی غیر دیپلماتیک و زننده می گوید: "شما خودتان می دانید امروز در موضع ضعف هستید و دستتان به جایی بند نیست و از موضع زور دیگر نمی توانید کارتان را جلو ببرید."

یعنی، پادوی ولی فقیه رژیم، سیاست مدارای دولت اوپاما را نه تنها آشتی جویانه بلکه، نشان ضعف و استیصال برآورد می کند و در عمل به رجز خوانی می پردازد.

اینگونه موضعگیری پاپوران رژیم در برابر جامعه جهانی و دور شدن از سیاست حل مشکل به سوی باج خواهی نشانگر بودن سیاست مامشات با رژیم ولی فقیه است. رژیم ولایت فقیه به دنبال ساخت بمب اتمی است و برای به دست آوردن آن به بازی سیاسی با جامعه جهانی و خرید وقت مشغول است. راه حل مشکل پیش آمده نه مامشات بلکه، موضعگیری قدرتمندانه جامعه جهانی برای سرجای خود نشان دادن رژیم است که با تجهیز به سلاح اتمی کشور را در موقعیت بسیار خطرناکی قرار خواهد داد و منطقه خاورمیانه را درگیر یک بحران بزرگتر خواهد کرد. ۲۷ فروردین

راه قدس از قاهره

می گذرد؟

منصور امان

در پی کشف یک شبکه ی مخفی حزب الله لبنان در مصر و دستگیری اعضای آن، تنش در مناسبات بین رژیم مَلاها با کشورهای عربی افزایش یافته است. در آخرین تحولات در این رابطه، روز گذشته (یکشنبه)، تلویزیون عربی جمهوری اسلامی به نام "العام"، بازداشت سه تن از کارکنان دفتر خود در قاهره را تایید کرد.

دولت مصر هفته گذشته اعلام کرده بود که یک شبکه ۴۹ نفره حزب الله لبنان را متلاشی کرده است. منابع قضایی در قاهره، اتهامات افراد دستگیر شده را "برنامه ریزی برای انجام حملات دشمنانه، در اختیار داشتن مواد منفجره و نیز جعل اسناد رسمی" عنوان کردند. شیخ نصرالله، جنگ سالار آیت الله خامنه ای در لبنان در دی ماه سال گذشته افسران ارتش و مردم مصر را به شورش و سرنگونی دولت این کشور فراخوانده بود. سخنان تحریک آمیز وی اندکی پس از آن ایراد گردید که آیت الله خامنه ای به شدت به "دولتهای عربی مدعی مسلمانان" حمله کرد و آنها را "هماهنگ و موافق" با اسرائیل دانست.

سرکرده حزب الله در تلاش برای فرار به جلو ادعا کرده است که فعالیت مشکوک شبکه ی این جریان، در ارتباط با فلسطین و "نقل و انتقال ادوات جنگی برای یاری رساندن به برادران فلسطینی" بوده است. اعتراف شرمنده شیخ نصرالله این احتمال را تقویت می کند که دولت مصر به اسناد و مدارک اطمینان پذیری پیرامون ماجراجویی رژیم مَلاها و گروه تحت الحمایه آن دست یافته است.

سرخط آویختن به بحران فلسطین به عنوان پوشش مداخله گری و ایجاد منطقه نفوذ را آقای لاریجانی نیز دنبال کرده است. او این اقدام تحریک آمیز را "جبران خدشه حیثیتی به دولتهایی که در غزه مُهم به همکاری با صهیونیستها بودند" توصیف کرد.

رئیس مجلس مَلاها به این وسیله ضمن اعلام پشتیبانی علنی جمهوری اسلامی از تحركات توطیه گرانه علیه دولت مصر، بر باد رفتن سرمایه گذاری هنگفت "نظام" برای نزدیکی به این کشور به عنوان یک قطب سیاسی مهم در جهان عرب را مُهر و سند کرده است. ۲۴ فروردین

زنان

در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶

مسکونی خود توسط دو مرد مسلح از گروه طالبان به قتل رسید. وی که تابعیت کشور آلمان را داشت، بعد از سرنگونی حکومت طالبان برای فعالیت به افغانستان بازگشته بود. او یکی از سه زنی بود که یکی از کرسیهای شورای ایالت قندهار را به خود اختصاص داده بود. وی چندی قبل نیز از یک حادثه بمب گذاری جان سالم به در برده بود. قتل او در میان زنان تحصیلکرده و فعال ایالت قندهار هراس زیادی به وجود آورده است. پیش از این جنایت نیز طالبان به چند مسئول زن در ولایت قندهار حمله کرده و آنها را کشته بود. "سفیه عموجان"، مسئول پلیس زنان ولایت قندهار در سال ۲۰۰۶ و "مالایی کاکار"، یک پلیس بلند پایه این ولایت در سپتامبر گذشته توسط طالبان به قتل رسیدند.

قانون احوال شخصی شیعیان افشای تصویب محرمانه "قانون احوال شخصی شیعیان" توسط پارلمان کشور افغانستان و امضای آن توسط حامد کرزای، رئیس جمهور این کشور در هفته های اخیر جنجال بزرگی را در میان مدافعان حقوق زنان، کوشندگان حقوق بشر، محافل سیاسی و... به وجود آورد. به گزارش رادیو فرانسه، این قانون زنان شیعه را وادار می سازد که برای بیرون رفتن از خانه از همسران خود اجازه بگیرند. اصل ۱۳۳ این قانون که بحث برانگیزترین قسمت آن است، اعلام می کند که زن همیشه برای اجرای خواستههای جنسی همسرش باید آماده باشد و هرگز شکایتی نکند. این قانون در رابطه با امر طلاق نیز حق بیشتری برای مردان قابل می شود. اگر زنی ادعا کند که مورد تجاوز جنسی

قرار گرفته است اما متهم آنرا انکار کند، حرف مرد در دادگاه پذیرفته می شود. گفته می شود که این قانون بدترین قانونی است که در قرن اخیر توسط پارلمان افغانستان تصویب شده است.

این مساله واکنشهای زیادی از سوی کنفرانس فنلاند، دولت استرالیا، انگلیس، آمریکا، سازمان ملل و تشکلهای مدافع حقوق زنان در افغانستان و جهان برانگیخت. "حامد کرزای" بعد از اعتراضهای شدید از سوی نهادهای بین المللی، قول داد که آنرا دوباره بازخوانی کند. به گزارش خبرگزاری رویتر، ۶ آوریل، "محمد آسف محسنی"، یکی از آخوندهای ارشد شیعیان در کنفرانسی در کابل در دفاع از "قانون احوال شخصی شیعیان" ابراز داشت که تغییری در رابطه با این قانون داده نخواهد شد زیرا این قانون توسط پارلمان تصویب و به امضای ریاست جمهوری رسیده است و مراحل قانونی را گذرانده است. یکی دیگر از مدافعان این قانون می گوید وقتی همه امور زندگی زن را یک مرد تامین می کند پس زن نباید بدون ضرورت بیرون برود. وی تاکید می کند که قوانین مربوط به امور شیعیان بر اساس قانون اساسی افغانستان می بایست بر پایه احکام شرعی باشد.

در همین رابطه بر اساس گزارش خبرگزاری "اتال ویتنس گروپ"، ۱۵ آوریل، بیش از هزار زن افغانی که بیشتر آنان را دختران جوان و دانش آموز تشکیل می دادند، در مخالفت با قانون جدید خانواده، به راهپیمایی در خیابانهای کابل دست زدند. آنان در مقابل دانشگاه اسلامی شیعه تجمع کرده و خواهان رد قانون مزبور شدند. به گزارش شاهدان عینی، گروهی متحجر در حالی که زنان تجمع کننده را "عربی" خطاب می کرد، با پرتاب سنگ به سوی آنان، برخی از دختران جوان را مجروح کردند. بر اساس گزارش شاهدان عینی، دست کم سه نفر هم با شلیک گلوله ماموران دولتی زخمی شدند.

این قانون شیعیان افغانستان را در بر می گیرد که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. اما کوشندگان حقوق زنان در هراسند که تصویب این قانون آغاز بازگشت به ستمی از نوع زمان طالبان باشد.

نقد و نسیه اختیارات رییس مجلس

جنایتکاران به هم مدال

ورشکستگی کامل صنعت چای کشور

جنتی انتخابات رژیم را براندازی نرم دانست

جعفر پویه
احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان رژیم ولایت فقیه در یک سخنرانی در جمع ناظران شورای تحت زعامت خود سخنرانی کرد و به گونه ای خط آینده آنها را مشخص نمود. جنتی با فحال دانستن بیگانگان در انتخابات رژیم گفت: "دشمنان ایران اسلامی در فکر براندازی نرم و به دنبال این هستند که رییس جمهوری بر سر کار آید که به خودشان و مقاصدشان نزدیک تر باشد." جنتی نگفت که این امر چگونه ممکن است زیرا کاندیداهای ریاست جمهوری توسط شورای تحت امر او گزینش می شوند و بدون تایید ناظران شورای نگهبان هیچ صندوق رای رسمیت نخواهد یافت. با این حال و با سختگیری دستگاه کنترل کننده او حتا با همایشان اش، چگونه ممکن است کسی سر کار آید که به دشمنان و مقاصدشان نزدیک باشد؟

به همین دلیل او می گوید: "ناظران شورای نگهبان وظیفه مهمی در نظارت بر صندوقهای اخذ رای ریاست جمهوری دارند."

یعنی، از هم اکنون او وظیفه ناظران را مشخص می کند و اینگونه القا می نماید که هیچ کس دیگری به غیر از فرد مورد نظر او و ولی فقیه رژیم حق بیرون آمدن از صندوقها را ندارد. جنتی در ادامه همین سخنرانی می گوید: "در سه سال اخیر رسیدگی فوق العاده ای به مردم و به خصوص محرومان شده است."

ناگفته پیداست که حمایت جنتی از محمود احمدی نژاد در این جملات نهفته است. اما او نمی گوید که در سه سال گذشته حجم عظیمی از درآمدهای نفتی مفقود شده است و معلوم نیست به کجا رفته است؛ چیزی که مجلس و بسیاری از نهادهای رژیم نیز به دنبال آن هستند. بحران فزاینده اقتصادی کمر مردم را شکسته است به طوری که تعدادی از کارد به استخوان رسیده ها در مقابل نهادهای حکومتی دست به خودسوزی زده اند. آمار بیکاری همچنان سیر صعودی دارد و مساله گرانی اوراق عمومی به جایی رسیده است که بسیاری از مردم قادر به تامین حداقل معاش نیز نیستند.

همه اینها به چشم رییس شورای نگهبان، "رسیدگی به محرومان است" و خدمت به رهبر و ولی فقیه رژیم زیرا جیب همایشان جنتی و آقازاده های آنان را از دلارهای نفتی انباشته کرده است.

اینکه انتخابات تحت نظارت دستگاه جنتی که مورد اعتراض باندهای داخل رژیم نیز است به پروژه براندازی نرم تبدیل شده است، خود از آن حرفهایی است که مرغ پخته را نیز به خنده خواهد انداخت. زیرا وقاحت این شیخ دریده را حدی نیست و بی شرمی او نیز اندازه ندارد.

۶ فروردین

صنایع تولیدی کشور یکی پس از دیگری ورشکسته شده و از چرخه تولید خارج می شوند. حجم بالای واردات اجناس بنجل توسط وابسته گان به پایوران رژیم و پائین آوردن عوارض و سود گمرکی توسط دولت یکی از دلایل این ورشکستگی است. امکان تعطیلی و ورشکستگی صنایع فولاد در پایان سال گذشته از خبرهایی بود که زنگ خطر را برای کارگران و مزدبگیران شاغل در این صنعت به صدا درآورد. ورشکستگی کارخانجات تولید شکر به دلیل فروش نرفتن تولیدات آنها به دلیل واردات بی رویه صدای اعتراض بسیاری را درآورد. کارگران نیشکر هفت تپه روزهای پیاپی به سیاست ضد تولیدی و ضد کارگری دولت و پایوران رژیم اعتراض کردند و سعی به افشا کسی که به سلطان شکر معروف است کرده و خواستار کوتاه کردن دست آنها از دخالت در اقتصاد و واردات بی رویه برای سود بیشتر که تعطیلی صنایع داخلی را در پی دارد شدند. و این کشمکش همچنان ادامه دارد.

مدتهاست که چایکاران شمال کشور صدای اعتراض خود را بلند کرده اند و متولیان این صنعت هشدار داده اند که در صورت ادامه سیاست های غلط دولت و رژیم صنعت تولید چای کشور به کلی نابود خواهد شد. در روزهای گذشته در خبرها آمده است که اعضا سندیکای کارخانه های چای شمال کشور بطور دستجمعی استعفا داده اند. آقای سمیعی رئیس هیات مدیره این سندیکا به خبرنگاران گفته است: "ادامه فعالیت اعضای سندیکای کارخانه های چای شمال با این روند غیر ممکن است." او همچنین می گوید: "از سال گذشته حدود ۱۰ هزار تن چای در کارخانه ها باقی مانده و فروش نرفته و از ۴۰ هزار تن تولید چای در گیلان در سال گذشته فقط ۲۰ درصد فروخته شد و مقداری از آن را دولت بابت طلب خود برداشت و بقیه نیز در انبارها باقی مانده، ضمن اینکه دولت نتوانست چای بخورد را به فروش برساند."

طبق اطلاعات منتشر شده حجم بالایی از تولیدات داخلی چای در انبارها مانده و به فروش نرسیده است. دلیل آن نیز روشن است، حجم وسیعی از واردات بی رویه توسط آقازاده ها و وابستگان آنها. با اینکه تولیدات داخلی چای در انبارها مانده است بازهم دولت و پایوران حکومتی به واردات ادامه می دهند. این درحالی است که بیش از ۵۵ هزار خانوار کشاورز در بخش تولید چای مشغول بکارند و با محاسبه کارگران شاغل در ۱۸۶ کارخانه چای کشور چیزی حدود ۷۵ هزار نفر در این صنعت فعالند. که با ورشکستگی آن به کلی از چرخه تولید خارج شده و به خیل لشکر بیکاران می پیوندند.

سیاستهای ضد مردمی و ضد تولیدی رژیم باعث نابودی همان اندک تولید داخلی شده و مردم شاغل در این صنعت را به روز سیاه نشانده است. برای برون رفت از این وضعیت به غایت غیر انسانی و ضد ملی باید دولت و رژیم تبهکاران را به زباله دان تاریخ فرستاد و بجای آن سیستمی سر کار آورد که به فکر مردم، تولید و سرپا ایستادن با قدرت مردم باشد.

۱۴ فروردین

می دهند

زینت میرهاشمی
آیت الله محمدی گیلانی، حاکم شرع و رئیس بیدادگاههای انقلاب اسلامی، به دلیل خوش خدمتی اش به ولی فقیه از هیأت وزیران دولت پاسداران نشان تقدیر دریافت کرد. چهره کریه محمدی گیلانی، سمبل خشونت و بی رحمی در دهه ۶۰ برای همگان آشنا است.

وی از کارگزاران منفور رژیم است که پس از انقلاب ضد دیکتاتوری، به دستور خمینی بیدادگاههای انقلاب را تشکیل داد. وی رئیس این بیدادگاهها و حاکم شرع و رئیس دیوان عالی کشور بود. محمدی گیلانی آشکارا از دستگیری، اعدام و خشونت علیه جوانان دفاع می کرد. تعداد بی شمار از جوانان به فرمان او اعدام شدند.

بر اساس گزارش خبرگزاری مهر، دوشنبه ۱۷ فروردین، دولت پاسدار احمدی نژاد، نشان درجه یک «عدالت» را به این جلا داد. در بخشی از این گزارش آمده است که «نشان عدالت» به کسی داده می شود که «در اجرای احکام و حدود الهی و برقراری حق و عدل در جامعه سهم موثر داشته است.» نشان و مدال در رژیم استبدادی مذهبی به معنای خدمتگزاری و مشارکت فعال در جنایت و خشونت و سرکوبگری است. جنایتکاران به همدیگر نشان «عدالت» می دهند. همه کارگزاران رژیم باید برای مشارکت در سرکوبی و جنایت در دادگاههای صلاحیتدار با حضور وکیل و هیات منصفه محاکمه شوند.

۱۸ فروردین

منصور امان
خیز گرایش نظامی - امنیتی مجلس برای افزایش اختیارات و نفوذ خود، در اولین مرحله با نشست و بازگشت به مبدا سرانجام یافت. شورای نگهبان، آرگانی که نقش بازوی اجرایی ولی فقیه در نشانیدن گماشته او، آقای احمدی نژاد بر مسند ریاست جمهوری را ایفا کرد، طرح دوفوریتی گرایش مزبور برای موظف کردن دولت به اجرای تصمیمات مجلس را رد کرد.

آقای عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، ایرادات این شورا بر طرح یاد شده را "جُزیی" معرفی کرد اما همزمان آن را "مُغایر با قانون اساسی" دانست. وی توضیح داد، کلمه "تصمیمات" که به عبارت "تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت" در اصل ۱۳۸ قانون اساسی اضافه شده، با این اصل مُغایرت داشت.

نزدیکان دولت ضمن استقبال از اقدام شورای نگهبان، در تشریح انگیزه تدوین این طرح از سوی رقبای خود، از اختلاف گرایشهای باند ولی فقیه بر سر به زیر ناخن کشیدن داراییهای میلیاردی سازمان تامین اجتماعی پرده برداشتند. صندوق این سازمان که از محل پرداخت حق بیمه های گوناگون کارگران و مزدبگیران انباشته گردیده، همواره برای محافل قدرتمند حکومتی یک منبع رایگان و بدون ریسک برای سرمایه گذاری و یک کیسه ی در دسترس برای برداشت به شمار می آمده است.

با این وجود، چنین می نماید که طرح گرایش نظامی - امنیتی مجلس، اهدافی فراتر از حل و فصل جدالهای روز و نقد را نیز نشانه رفته است که در درجه نخست به دوران پس از نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری مربوط می شود.

سُخنان مُناقض سخنگوی شورای نگهبان که بیشتر به خرده گیری شباهت دارد تا انتقاد جدی، بیانگر باز بودن درهای بحث بر سر این موضوع در باند ولی فقیه به طور همگانی است. "موارد جُزیی" می تواند حل و فصل دایره شمول یا استثناهای طرح مزبور و مبدا زمانی اجرای آن باشد؛ نکاتی که به گونه مُستقیم دولت فعلی و شرکای آن را تحت تاثیر قرار می دهد.

۲۹ فروردین

صدر "قتل سفید" به عراق

دولت حکیم - مالکی در عراق با شتاب بسیار در حال جبران عقب ماندگی از هم‌ریشان خود در ایران است. پس از تصفیه خونین روشنفکران، دگراندیشان و کوشندگان کارگری و زنان به سبک "قتلهای زنجیره ای"، اینک دستگاه امنیتی دست پروردگان سپاه قدس، در حال بومی سازی تازه ترین ابتکار "سربازان گمنام" برای قتل مخالفان می باشد.

در این راستا آقای موفق الربیعی، فردی که از او به عنوان "مشاور امنیت ملی عراق" یاد می شود، مانع مداوای پزشکی مخالفان رژیم مَلاها در کمپ اشرف شده است. این اقدام که در عمل به معنای صدور حکم مرگ افراد مورد هدف می باشد، چه در مدت و چه در نتیجه یادآور قتل سازمان داده شده دو زندانی سیاسی، امیر حشمت ساران و امید میرصافی در ماه گذشته است. در هر دو مورد این جنایتها، عدم رسیدگی عمدی به وضعیت وخیم جسمی ناشی از شکنجه فیزیکی و روانی طولانی مدت، علت مرگ بوده است.

دولت عراق نیز به همین گونه و در نقش زندانبان، با محاصره نظامی - امنیتی شهر اشرف و جلوگیری از دسترسی ساکنان آن به آب، برق، غذا و - اکنون - دارو و پزشک، پروژه "قتل سفید" را دستور کار خود گذاشته است.

اوایل اسفند ماه، هنگامی که آیت الله خامنه ای در دیدار با آقای جلال طالبانی برای نخستین بار از وجود یک "توافق دوجانبه" با دولت عراق علیه سازمان مجاهدین پرده برداشت، هنوز مُشخص نبود شیوه های اجرایی این توافقنامه چه گونه خواهد بود؛ یک نقطه ابهام که دولت حکیم - مالکی با توسل به شیوه های غیرانسانی و تبهکارانه در حال برطرف کردن آن است.

اقدامات سربازان گمنام موفق الربیعی زیر بینی ارتش آمریکا و نیروهای ائتلاف که اداره کنندگان و تصمیم گیرندگان اصلی در عراق هستند، صورت می گیرد. آنها مسوول و شریک اعمال تبهکارانه شعبه های عراقی وزارت اطلاعات رژیم مَلاها و سپاه قدس آن شمرده می شوند. ۱۶ فروردین

دعوت آشوبگر افغانستان به کنفرانس آرامش و ثبات

جعفر پویه

پس از مدتها اظهار نظرهای متفاوت بالاخره روز چهارشنبه ماکسیم فرهاخن، وزیر امور خارجه هلند اعلام کرد که رژیم جمهوری اسلامی در کنفرانس افغانستان در شهر لاهه شرکت خواهد کرد. پس از آن حسن قشقاوی، سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم مَلاها در گفتگو با رویتر به این خبر رسمیت داد اما افزود: "هنوز در این مورد که ایران در چه سطحی در این کنفرانس شرکت کند، تصمیمی اتخاذ نشده است."

این درحالی است که رژیم جمهوری اسلامی در ماه سپتامبر در کنفرانس مشابهی که در پاریس برگزار شد شرکت نکرد. یکی از اهداف کنفرانس پاریس تشویق همسایگان افغانستان به ایفای نقشی موثرتر در ایجاد ثبات در آن کشور بود که در عمل از سوی رژیم ولایت فقیه رد و مورد موافقت قرار نگرفت. بسیاری از صاحبزنان دلیل شرکت رژیم در کنفرانس افغانستان در لاهه را به دست آوردن فرصتی برای نزدیکی با آمریکا و گفتگو و همکاریهای غیر رسمی با آن برآورد کرده اند. از سوی دیگر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفته است که هیچ برنامه ای برای ملاقات هیاتهای ایران و آمریکا در نشست هلند وجود ندارد. همزمان نیز مقامات سازمان آتلانتیک شمالی ناتو خبر داده اند که در هفته گذشته دیپلماتی از سوی رژیم با نماینده دبیرکل ناتو در بروکسل، مقر آن ملاقات و گفتگو کرده است.

هرچند مقامهای اروپایی دعوت از رژیم ملایان را در راستای سیاستهای تشویقی و تنبیهی اتحادیه اروپایی می نامند اما ملاقات نماینده رژیم با نظامیان ناتو و گفتگوهای پشت پرده ای که گاه برملا می شود، نشان می دهد که سیاست مامشات با رژیم همچنان از سوی بسیاری از محافل غربی پی گرفته می شود و همین امر باعث گردیده است تا رژیم جمهوری اسلامی سختگیری بیشتری را بر جنبش اجتماعی مردم اعمال کند و هراسی از به ظاهر محدودیتهای اعمال شده نداشته باشد. دخالت رژیم جمهوری اسلامی در افغانستان موضوعی نیست که بر دیپلماتهای کارکشته و سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی پوشیده باشد. تسلیح جریانات تندرو اسلامی و تشویق و حمایت از سازمانهای تروریستی و ارتباط مداوم رژیم با آنها سالهاست که برملا شده و بسیاری بر آن آگاهند. چرا به جای تحت فشار قراردادن رژیم برای دخالت کمتر در امور افغانستان، از آن دعوت می کنند تا در کنفرانسی شرکت کند که در ظاهر هدف آن ایجاد امنیت و آرامش در این کشور است؟ این کار به معنای دعوت گرگ برای چوپانی از گوسفندان است زیرا یکی از پاهای عدم آرامش و امنیت و در افغانستان، رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی است که با مسلح کردن و آموزش جریانات همسو سعی به آشوب بیشتر و بحران آفرینی در آن کشور می کند.

به جای بحث و گفتگو با رژیم بحران آفرین جمهوری اسلامی باید به آن هشدار داد تا از دخالت و آشوبگری در کشور همسایه، افغانستان خودداری کند.

۷ فروردین

نوبت سرکوب پیام دهنده های تلفنی

زینت میرهاشمی

شب نهادانی که از قعر قرون بیرون آمده اند هر نو آوری و هر سیستم مدرنی که ارتباط سازنده بین انسانها را سامان دهد را خطری برای نظم ویرانه خود ارزیابی می کنند و با شمشیر از رو بسته به جنگ آنها می روند.

دستگیری و سرکوب و بلاک نویسان، شکنجه آنها و به قتل رساندن آنها، کنترل و محدود کردن شبکه های اطلاع رسانی اینترنت به داخل ایران، فیلتر کردن سایتها، سیاسی و اجتماعی، از جمله ابزارهای سرکوب رژیم در جهت محروم کردن مردم برای استفاده از سیستم اطلاع رسانی است. دادستان کل رژیم روز دو شنبه ۱۰ فروردین، از وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خواست تا «بر ارائه خدمات سرویس پیام کوتاه (MMS) کنترل و نظارت اتخاذ شود».

قربانعلی دری نجف آبادی خواستار نظارت بیشتر بر نام افراد سرویس گیرنده شده است. پایوران رژیم به همان شیوه و سنت همیشگی مساله «اخلاق» را به عنوان یک حربه جهت سرکوبگری استفاده می کنند. سیستم پیام رسانی از طریق تلفن همراه یکی از کانالهای ارتباط فعال و خبر رسانی در جهت بسیج در حرکتها اعتراضی جوانان است. به همین دلیل دادستان کل رژیم این سرویس ارتباطی را از سرکوبگری بی نصیب نگذاشته و خطری برای ریزش ویرانه های نظام می بیند.

۱۲ فروردین

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید
بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو
اروپا معادل ۲۴ یورو
آمریکا و کانادا ۳۶ یورو
استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو
اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی

اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار

رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com
www.radiopishgam.com
www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 286 21April. 2009 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهیدای فدایی
اردیبهشت ماه



عکس: رفیق مرضیه احمدی اسکویی

رفقای فدایی: کاظم سعادت - بهروز دهقانی - خلیل سلمانی نژاد - شیرین معاضد(فضیلت کلام) - هادی فرجاد پزشکی - عبدالله پنجه شاهی - علی اکبر (فریدون) جعفری - مرضیه احمدی اسکویی - هیبت الله بهرامی - محمود نمازی - لادن آل آقا - مهوش حاتمی - مهدی حاتمی - محمدرضا و احمدرضا قنبرپور - فرزاد دادگر - حبیب برادران خسروشاهی - عزت غروی - ناصر شایگان شام اسبی - فرهاد صدیقی پاشاکی - هوشنگ اعظمی لرستانی - تورج اشتری تلخستانی - مسعود دانیالی - فرشته گل انبریان - قربانعلی زرگاری - جهانگیر باقرپور - رضا نعمتی - بهروز ارمغانی - اسماعیل عابدی - زهره مدیرشانه چی - حسین فاطمی - میترا بلبل صفت - علیرضا باصری - مریم پنجه شاهی - نسرين پنجه شاهی - حبیب الله مومنی - منصور فرشیدی - محمود خرم آبادی - مصطفی حسن پور اصیل - فریده غروی - کمال کیاغفر - محسن رفعتی - احسان الله ایمانی - غلامحسین خاکباز - رویا علی پناه فرد و مقصود بیرام زاده از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

سال "اصلاح الگوی
مصرف" برای "تشدید
الگوی باج دهی"

لیلا جدیدی

وزیر نیروی حکومت ولایت فقیه آستین بالا زده تا "فرمایشات رهبر معظم اسلامی" را برای محروم کردن هر چه بیشتر مردم از نیازهای ضروری اجرا کند. این اما تضادفی نیست که سال "اصلاح الگوی مصرف" با تشدید الگوی باج دهی همزمان شده است .

در تازه ترین این تلاشها، کمکهای دو و نیم میلیارد تومانی "کمیته امداد امام خمینی" به آذربایجان، اختصاص هزینه برای بازسازی حزب الله لبنان و راهی کردن کاروان اسلحه برای حماس را می توان نام برد.

با این همه، رژیم جمهوری اسلامی باز هم نتوانسته است در پیشبرد اهداف خود از راه باج دهی پیشرفت چشمگیری داشته باشد. مهمترین نمونه آن اواخر سال گذشته در هنگام رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای انتخاب نماینده آسیا در شورای امنیت بود. در این رای گیری مخفی، جمهوری اسلامی با ۳۲ رای، در برابر ژاپن با ۱۵۸ رای کنار زده شد.

علاوه بر آن، دست و دلبازیهای رژیم، یک به یک از طرف مخالفانش خنثی می شود. در جمهوری آذربایجان، کمکهای اخیر رژیم به دست مقامات این کشور سوزانده می شود، در لبنان ستاد عالی کمک رسانی که از جانب دولت عمل می کند، ترجیح می دهد نامی هم از هدایای جمهوری اسلامی به زبان نیاورد و کاروان اسلحه به حماس نیز دچار غضب اسرائیل واقع شده و نابود می شود.

باجهایی که جمهوری اسلامی از پول نفت و از جیب مردم به خارج می دهد، هدف خیرخواهانه ندارد زیرا مردم ایران بیشتر بدان نیازمند هستند. این اقدامها، اهداف ماجراجویانه و مداخله گرایانه را دنبال می کند و نشانگر نداشتن پشتوانه مردمی به لحاظ سیاسی، اجتماعی و ایوبولوژیک در داخل کشور است.

۱۰ فروردین

مسئول کشته شدن
کارگران معدن، رژیم است



زینت میرهاشمی

روز یکشنبه ۱۸ نفر از کارگران هنگام کار در معدن ذغال سنگ کرمان جان خود را از دست دادند. انفجار در این معدن برای چندمین بار اتفاق می افتد. عدم رعایت استانداردهای بهداشتی و امنیتی هنگام کار باعث حان باختن تعداد زیادی از کارگران در این معدن شده است. این فاجعه بار دیگر نشان داد که جان کارگران و مزدبگیران ذره ای برای سرمایه داران و در راس آن دولت به عنوان کارفرمای بزرگ هیچ ارزشی ندارد. این سانحه بار دیگر کشته شدن کارگر معدن خاتون آباد به دست نیروهای رژیم را یادآور می شود. بر اساس گزارش خبرگزاریها، در سال ۱۳۸۲، ۹ نفر از کارگران این معدن در اثر انفجار گاز متان جان خود را از دست داده اند. رئیس این معدن که از بیمه جان باختگان انفجار سال ۱۳۸۲، سر باز زده بود، خود در انفجار روز یکشنبه کشته شده است.

طبق اعتراف کارگزاران رژیم، این معدن علیرغم بالای بودن گاز متان و مشکلاتی که داشته است، باید تعطیل می شده ولی همچنان به کار خود ادامه داده است. وزارت کار و امور اجتماعی رژیم و نهادهای وابسته به آن بار دیگر ثابت کردند که هیچگونه نظارتی بر مسائل ایمنی و رعایت استانداردهای کاری انجام نمی دهند. این گونه حوادث که مسئول مستقیم آن حکومت است، عده دیگری از خانواده های کارگران را به لشکر فقیران می کشاند. خانواده های این کارگران هم همراه با خانواده های کارگران دیگر که جانانشان را در سانحه کار از دست داده اند فقیر خواهند شد و از هیچ گونه پوشش اجتماعی برخوردار نخواهند شد. همانطور که خانواده های کارگران سانحه دیده همین شرکت در سال ۱۳۸۲ از پوششی برخوردار نشدند.

اول اردیبهشت

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم